مملکتی مقدم برسایر مصارف مملکتی است

۲ - وزارت مالیه مأمور اجرا این قانون است حائری زاده سلیمان محسن

رئیس - راجع باین پیشنهاد در جلسه دیگر مذاکره می‌شود

آقای معتمد التجار - اجازه

معتمد التجار - بنده راجع به مساعدت دولت با اهالی ارومیه از آقای رئیس الوزراء سئوالی داشتم نمی‌دانم برای جواب حاضر هستند یاخیر؟

رئیس الوزراء - بفرمائید

معتمد التجار - بطوریکه خاطر آقایان نمایندگان و هیئت محترم دولت مسبوق است شرارت سیمتقو و اتباع او یك قسمت مهم آذربایجانرا بکلی خراب و اهالی آن نقاط رابسایر جاهای مملکت متواری ساخت حالا که بحمدالله دولت موفق بسرکوبی اشرار شده لازم است اهالی بدبخت را که فرار کرده‌اند باوطان خودشان معاودت دهد حالا می‌خواستم بدانم هیئت محترم دولت در این باب چه نظری دارد وچه اقدامی نموده‌اند؟

رئیس - در همانموقع که راپورت فتح سلماس رسید دولت در نظر گرفت یك ترتیباتی بجهة مساعدت بااهالی ارومیه آبادی وعمران نقاط خراب شده اتخاذ نماید وپس ازرسیدن تلگراف فتح چهریق مخصوصا یکی ازجلسات هیئت دولت صرف این مسئله شد وچند تصمیم در آنجلسه گرفته شد که یکی ازآنها این بود که وجه کافی تهیه شده وباشخاص که درنتیجه این زد وخورد املاکشان خراب شده مساعدت شود که املاك خودرا تعمیر وآباد نمایند همین طور تصمیمات دیگری بجهت آسایش آنها گرفته شده ولی برای اینکه جزئیات مطلب بخوبی کشف ومعلوم شود کمیسیونی بجهت رسیدگی باین مسئله معین شده که آقایان نمایندگان آذربایجانهم بجهت عضویت در آن کمیسیون دعوت شده اند ورقعه دعوت آقایان هم اگر تاکنون نرسیده باشد امروز خواهد رسید که در کمیسیون حضور بهم رسانند و بانظریات هیئت دولت مشارکت نموده هرطور کمیسیون صلاح دانست درباره اهالی آنجا مساعدت خواهد شد بدیهی است دولت همه وقت حاضر است که با اهالی ستمدیده ارومیه و وغیره مساعدت نماید که از هرحیث جبران صدمات آنها بشود

معتمد التجار — از این اقدامات دولت تشکر می کنم؟

مجلس مقارن ظهر ختم شد

مؤتمن الملك

جلسه ۱۳۰

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه اول سنبله ۱۳۰۱ مطابق سلخ ذی‌الحجة - الحرام سنه ۱۳۴۰

(مجلس تقریباً سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید)

(صورت مجلس یوم ۳ شنبه سی‌ام اسد را آقای امیرناصر قرائت نمودند)

رئیس - عده کافی نیست هفت هشت نفر دیگر لازم است تا عده کافی بشود

آقا سید یعقوب. (در حین ورود یکی ازآقایان نمایندگان) یکی آمد.

محمدهاشم میرزا - اسامی آنهائیکه نیستند اگر حاضر است خوب است قرائت بشود تامعلوم شود علت معطلی ما آنهائی هستند که غائبند واگر قدری تعطیل بشود باید معلوم شود کی‌ها نبوده‌اند

رئیس - تصویب صورت مجلس را می گذاریم برای بعد که عده کافی شد بالفعل مذاکره درقانون استخدام را شروع میکنیم ماده چهلم قرائت می‌شود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۴۰ با داشتن وظیفه تقاعدی اخذ هرگونه مواجب و مستمری دیگر از خزانه دولت ممنوع است واگر شخص متقاعدی بمقتضیاتی مجدداً مرجع خدمت موظفی در ادارات دولتی شود در مدت تصدی آن خدمت وظیفه تقاعدی رادریافت نمیکند ولی مدت خدمت جدید او منظور وپس ازخروج خدمت از بابت این مدت به میزانی که درماده ۳۰ مقرراست بروظیفه سابق اوافزوده می‌شود

رئیس - مخالفی نیست؟

(گفته شد خیر)

رئیس - ماده چهل ویکم

(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۴۱ - بجزموارد استیفای حقوق دولت توقیف وظیفه تقاعدی در قبال محکومیت حقوقی یا عناوین دیگر ازاین قبیل اکیداً ممنوع است

رئیس - آقای آقاسید فاضل

(اجازه)

آقاسید فاضل - باید آقای مخبر توضیح بدهند.

مخبر - شخصی که حقوق تقاعدی میگیرد اگرمالی ازدولت به اوتعلق گرفته باشد باید از او حقوق تقاعدی کسر کنند ولی هرگاه درعدلیه محکوم شد از این حقوق نمی‌شود محکوم به را کسر کرد و باید ازسایرمالهایش دریافت دارند چون این وظیفه اواست وباید زندگانی کند و درمقابل آن بدهی که محکوم شده نمیشود کسر گذاشت

رئیس — آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله — تفکیك بین حقوق دولت وملت بنظر بنده خیلی غریب می‌آید چطورمی‌شود اگردرمقابل حقوق دولت محکوم باداء وجهی شد از حقوق تقاعدی او توقیف بشود اما در موضوع حقوق مردم این ملاحظه نشود؟

بین حقوق دولت و ملت هیچ فرق نیست.

خصوصاً در این قضیه که راجع بمحکومیت درعدلیه است چون خودمحکمه نسبت بمخارج ضروریه محکوم علیه یك ترتیبی درنظردارد البته وقتی کسی محکوم شد قوت لایموت اورا که محکمه نمیتواند بگیرد بدهد بمحکوم له المفلس فی امان الله مفلس وبی چیزمصون ازتعرض است لکن اگرمحکمه احساس کرد که محکوم علیه دارای حقوق تقاعدی است و صد تومان حقوق تقاعدی دارد وممکن است در ماه مخارج اوبه پنجاه تومان اداره شود آنوقت باید مازاد اورادرمقابل محکومیتش اداره نماید بنده خیلی تعجب میکنم که اینجابین حقوق دولت وملت فرق گذاشته می‌شود چه فرق است بین حقوق دولت ویك فردی ازافراد ملت؟ لهذا این ماده بنظر بنده خیلی غریب است وباید این قضیه را واگذار کرد بنظر محکمه که آنچه معمول به محکمه است مطابق قوانین موضوعه بموقع اجرا بگذارد.

مخبر - آقا اشتباه کرده‌اند این مالی است که دولت به اومی‌دهد ویك مالی نیست مثل خانه‌اش وملکش واثاثیه‌اش که درمقابل حقوق مردم بتوان توقیف نمود این مالی است که دولت به اومی‌دهد اگر خودش طلب کاراست هرمقدار طلب دارد برمی‌دارد و بقیه‌اش را می دهد ولی در مقابل حقوق مردم این چیزی را که دولت به اومی‌دهد اعم ازاینکه احسان یا مواجب یا هر چه حساب کنید نمی‌توان توقیف نمود و در مقابل محکومیت او بدیگری داد مثل این است که بنده نذر کرده‌ام بیك گرسنه یك چیزی بدهم ولی وقتی او یك مبلغی بیك شخص محکوم شد بیایند بمن بگویند آن نذری که کردی باو بدهی چون محکوم شده است بده بما!!

این هیچ صحیح نیست و ماده خیلی خوب است وعیبی ندارد

رئیس — آقای دست غیب هم مخالفند؟

حاج سید محمد باقر - خیر بنده با ماده موافقم.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب چطور؟

آقا سید یعقوب - مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - چنانچه بنده سابقه مفصل در کمیسیون عرایض دارم می‌بینم اینجا هم تفکیك بین حقوق دولت وملت شده است.

اگر کسی ادعائی ازدولت دارد نمیتواند درعدلیه برود عارض بشود اما اگر افراد ملت بهم دعوا دارند باید بعدلیه بروند در صورتیکه عدلیه مرجع تظلمات عمومی است اعم ازاینکه کسی بدولت ادعا داشته باشد یا به ملت اصل وبنای حکومت شوروی هم براین است که دولت ازملت مجزا نیست رباالعکس ودرواقع توأم هستند و اساساً عقیده من درحکومت ملی این است که عرض کردم قانون شرع هم این مسئله را معین نموده است یعنی آن کسی که مدیون است بقدر قوت لایموت او و آن چیزهائی را که از مستثنیات دین است در کتب فقها مصرح است جدا می کنند و مابقی را از ترکه مدیون اخذ میکنند وبطلب کارمی‌دهند اینجا هم همینطوراست این حقوقی که دولت می‌دهد درواقع مال شخص مستخدم است نه اینکه دولت مجاناً ومحضاً لله می‌دهد مطابق قانونی که الان ازمجلس دارد می گذرد این حقوق تقاعدی حقی است که مستخدم مالك اواست ووقتی مالك شد و درسلطه اودرآمد داخل درمال او می‌شود واگر محکوم شد اگر جزء مستثنیات دین است که هیچ والا باید بمحکوم له داده شود اعم ازاینکه محکوم له دولت باشد یا ملت وبنده عقیده ندارم که یك همچوماده ازمجلس بگذرد که حقوق دولت را به عنوان حکومت ظالمه دریافت کنند.

ما که حکومت ظالمه نداریم. حکومت جابره نداریم.

حکومت مستبده نداریم حکومت حکومت شوروی وعدالت است بنابراین بنده با این ماده مخالفم و اصلا مخالف با قانون اساسی هم است

رئیس - آقای دست غیب

(اجازه)

حاج سید محمد باقر - این کلمه که آقای آقا سید یعقوب فرمودند حکومت شوروی ومشروطه است ودرحکومت شوروی نمیشود حقوق دولت وملت را علیحده کرد وما حکومت جابره ومستبده نداریم این حرف بجای خودش معین است ولی گمان میکنم این قدری ازموضوع خارج باشد زیرا البته معین استکه حکومت دولت حکومت شوروی است ولی درعین اینکه حکومت شوروی است انفکاکی هم می شود بین دولت وملت فرض کرد مثل اینکه مجلس ناظر بامور دولت است وبا اینکه بدولت رأی اعتماد داده بازناظر اواست که تجاوز نشود وقتی لفظ تجاوز دربین آمد معلوم می‌شود یك حقوقی دولت دارد ویك حقوقی ملت و البته باید بین حقوق دولت و ملت فرق گذاشته شده وهمین مثلی که زدم بهترین دلیل است وبهمین دلیل باید فرق گذاشته شده یك مثل خوبی هم آقای زنجانی زدند که وقتی دولت ازشخصی طلب کار است از حقوق شخصی او کسرمیکند ولی یکوقت است که من نذر کرده‌ام بفلان آدم فلان قدر بدهم آنوقت نمی‌شود درمقابل محکومیت

اورفت و گفت پول نذراورا بدهید بمن این نه عرفاً و نه شرعاً نه ازروی حقوق ملی صحیح نیست پس حقوق دولت با حقوق ملت فرق میکند حقوق دولت ازشخص در ازاء کاراست ولی حقوق مردم نسبت بیکدیگر نسبت بمالکیت وملك واساس زندگانی شخص است والبته با حقوق دولت فرق دارد واین ماده که نوشته شده صحیح است وابداً ضرری هم بدستگاه کسی وارد نمی‌آورد

رئیس- آقای سهام‌السلطان موافقند؟

سهام‌السلطان — بلی.

رئیس — آقای میرزا مرتضی چدلور.

حاج میرزا مرتضی - بنده مخالف هستم.

رئیس - بفرمائید.

حاج میرزا مرتضی — همانطور که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند بنده هیچ منطقی نمی دانم که بین حقوق دولت و ملت فرقی باشند وهمین‌طور نمی‌توانم فرق بگذارم بین‌مالی که دولت می‌دهد و مالی که خودش دارد تااینکه بگوئیم اگر مال دولت است باید گرفت واگر ملت‌است نباید گرفت البته محکمه ملاحظه می کند اگرطرف محکوم شد بعداز وضع‌قوت‌لا یموت او ازهرمالی که داشته‌باشد چه از طرف دولت و چه‌از طرف دیگری باو رسیده‌باشد‌باید‌به‌محکوم‌له داده‌شود وفرق نباید دربین‌باشد واما‌اینکه آقایان فرمودند مالی که دولت باومی‌دهد مالك نیست دلیلی که اقامه نکرده‌ند که بنده بفهمم دلیلش‌چیست ؟ تامتقاعد بشوم ادله‌دارند که بتواندمارامتقاعد کند مالی‌را که دولت می‌دهد بااموال شخص متصرفی او فرق دارد بفرمایند تابنده‌هم قانع‌شوم والا به‌عقیده بنده هیچ‌فرقی ندارد وهمان طور که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند این کار راباید بمحکمه واگذار کرد تااو مطابق قوانین موضوع درباره محکوم‌علیه رفتار نمایند

رئیس-مذاکرات کافی‌نیست؟

(بعضی گفته — کافی است)

رئیس-دوفقره‌پیشنهادرسیده‌است یکی ازطرف آقای آقاسیدفاضل که پیشنهاد کرده‌اند ماده‌بکلی حذف‌شود ویکلی‌از طرف آقای‌مستشارالسلطنه

(هردوپیشنهادفوق‌بشرح ذیل‌قرائت‌شد)

بنده‌پیشنهادمی کنم . حذف‌ماده ۴۱ از قانون‌استخدام(سیدفاضل کاشانی

مقام محترم‌ریاست‌مجلس‌شورای‌ملی

بنده‌پیشنهادمی‌نمایم این‌جمله‌باخرماده ۴۱ علاوه شود(در صورت عسرت متقاعد) مستشارالسلطنه

رئیس -ماده۴۲

(بشرح ذیل‌قرائت شد)

ماده ۴۲ ازحقوق‌مستخدمین موظف دولتی بدون استثناء وجوه ذیل کسر و بصندوق‌مخصوص وظائف وارث مستخدمین تحویل‌می‌شود

(۱) -صدی‌سه‌مواجب‌بابت‌ماهیانه

(۲) حقوق یك‌ماهه مستخدم درموقع ورود بخدمت دولت ومبلغ اضافه مواجب هائی که بعدها بمستخدمین داده می‌شود در ماده‌اول اخذ آن‌اضافه

(۳) وجوهی که ممکن‌است در موقع مرخصی از مستخدمین کسرشود

(٤) وجوه حاصلهٔ از محکومیت و جرایم‌اداری مستخدمین

تبصره - غیرازموارد فوق‌بهیچ‌عنوان نباید چیزی‌از مستخدمین کسرشود

رئیس -آقای‌سلیمان‌میرزا

(اجازه)

سلیمان‌میرزا - بنده‌موافقم

رئیس- آقای‌نظام‌الدوله

نظام‌الدوله- مخالفم

رئیس- بفرمائید

نظام‌الدوله- بنده‌معنای‌این‌ماده‌را نمی‌فهمم دولت ازطرفی مستخدمین میگیرد واوهم انجام وظیفه خود را می کند و باو حقوق می‌دهد دیگر علت کسر حقوق را نمی‌دانم چیست ؟ اگر بناباشد اضافه باو بدهند لابد درمقابل یك‌خدمتی میدهنددر این صورت کسر کردن اضافه حقوق را نمی‌دانم چه‌صورت‌دارد؟ بعلاوه‌هرمستخدمی باندازه حصه خودش محتاج بزندگی است وحق‌حیات اورانمی‌شود سلب کرد وگفت من می‌خواهم بوارث تو بدهم اینکه منطقی نیست!!!

دولت اگر بوارث‌او چیزی‌می‌خواهد بدهد بعداز مرگش ازخزانه بدهدوالابچه حق‌حقوق‌شخصی‌اورادرزندگانی‌اوضبط‌میکنند ونگاه می‌دارند برای وراث او؟ بنا براین بنده با این ماده مخالفم

مخبر- این مسئله حقوق تقاعد چون خیلی مهم است آقایانرا متوجه می کنم براینکه کمسیون دراین‌باب بعداز آن‌جلسه که با حضور معاونین وزراء شد ببعضی اشکالات برخورد خصوصا اشکالاتی که درمستخدمین‌موجود پیدا می‌شود بنابراین نظر کمسیون قدری تفاوت پیدا کرد وبنا شد بعضی ازمواد اصلاح‌بشود ازجمله‌همین حقوق تقاعد که اول صدسه معین شده‌بود ولی حالاباید صدپنج بشود چون کمسیون نظرش این بود که این صندوق برای وراث باشد ولی متقاعدین ازخزانه دولت حقوق ببرند ولی دیدیم درحال حاضره و مستخدمین موجود وآن اوضاع که سابقا مستخدمین داشته‌اند که ازکوچه یکی را می‌آورند ووالی فلان ایالت می کردندیا یك روزنامه‌چی‌را بدون سابقه مدیراداره میکردند یا اینکه یکی چند ماه حکومت کرده وبعد ده‌سال‌درخانه‌اش نشسته‌ناچار خواهد گفت بمن‌هم حقوق تقاعد بدهید با این ترتیبات حاضره بنظر کمسیون همچو آمد که صدی پنج‌هم برای حقوق‌تقاعدی وهم برای وراث کسر شود همچنانکه در ممالك دیگرهم همین‌طوراست یا صدی‌پنج است یا صد چهار یا صدسه ولی اغلب‌صد پنج است که‌برای حقوق متقاعدین‌ووراث متقاعدین درصندوق دولت ضبط می گردد واین صندوق در ممالك متمدنه صندوق مهمی است بحقوق متقاعدین ووراث هم کفایت میکند ماهم دقت کردیم ودیدیم‌با وضع حاضره صدسه کفایت نمیکند بعلاوه این‌صندوق‌مختصر بدان مستخدمینی‌خواهد بود که من‌بعد موافق این قانون استخدام خواهدشدودوره‌خدمت خود را طی کرده وبسن تقاعد می‌رسند وپس از آنها هم حقوق آنها بوراثشان خواهد رسید ولی برای مستخدمین‌حالیه که‌درادارات‌موجوده هستند ووراث بعضی‌ها که مرده‌اند درنظر گرفتیم چند ماده پیشنهاد کنیم که شامل حالشان بشود وخارج از این ترتیب باشند لهذا بعضی مواد دیگری که بعد خواهد آمد تفاوت خواهد کرد بنابراین پیشنهاد میکنم صدی سه صدی پنج بشود

رئیس — آقای اقبال السلطان موافقید ؟

اقبال‌السلطان - بلی‌موافقم

رئیس — آقای آقاسید یعقوب

آقاسیدیعقوب - موافقم

رئیس- آقای مدرس مخالفید ؟

مدرس — بنده درماده موافقم‌ولی درتبصره مخالفم

رئیس- بفرمائید

مدرس- یك عرضی داشتم درماده قبل که فرصت نشد عرض کنم وکاملا با آقای مخبر موافق بودم وگمان می کنم اگرآقایان دیگرهم‌دقت‌می کردندموافقت می‌نمودند ولی درتبصره نوشته شده است (غیرازموارد فوق درهیچ مورد از حقوق مستخدم کسرنمی‌شود) لذا عرض می کنم مستخدم وقتی‌سر کار و خدمت است ممکن است ازآن وجه خدمتش بواسطه دینی که دارد بحکم قانون کسر بشود ولی باقی اجرتش را طلبکاراست ومالش است این دیگرغیر ازحقوق ایام تقاعد است ودست وارث‌هم که در کارنیست که بگوئیم دولت رعایت میکند ونمی‌شود اورا توقیف کرد ودروجه طلبکار پرداخت بنابراین چون خدمت می کند و اجرت می گیرد اجرت مال خودش است اگربحکم قانون محکوم شد باید حاکم این مال را در مورد این دین توقیف کند یا اخذ کند لهذا درآخر تبصره بواسطه توضیح باید این‌مطلبی که الان عرض کردم ذکر شده برای اینکه حقوق زمان خدمت با زمان تقاعد وفوت خیلی فرق دارد و ممکن است درزمان خدمتش ازحقوق او کسر شود وبدینش داده شود ولی درزمان تقاعد خیر

مخبر — گویا آقا اشتباه‌فرموده‌اند مقصود ازاین تبصره فقط کسر کردن‌دولت و بردن بصندوق تقاعدی است مقصود این است‌که دولت‌درغیرآن موارد نمیتواند کسر کند ولی راجع‌بمحکومیت البته‌اگر محکوم شد و مالی داشت می برند و این مسئله مربوط باین تبصره نیست

مدرس - خیلی خوب قانع شدم

رئیس- مذاکرات کافی نیست؟

(بعضی گفتند - کافی‌است)

پیشنهادی‌است‌ازطرف آقای کازرونی قرائت میشود

(اینطورقرائت‌شد)

بنده پیشنهاد میکنم در قسمت اول اینطورنوشته شود (صدی پنج مواجب‌تمام ایام خدمت) کازرونی

رئیس- ارسال می شود بکمسیون وماده چهل‌وسه

(بشرح‌ذیل خوانده‌شد)

ماده ۴۳ وجوهی که مطابق ماده۴۲ بصندوق مخصوص وظایف‌وراث‌مستخدمین داده می‌شود از تاریخ اجرای این قانون تا پنجسال نباید بهیچ مصرفی برسد پس ازانقضای این مدت وارث کسانی از آن محل حق اخذ وظیفه خواهند داشت که پنجسال متوالی مطابق مقررات ماده ۴۲ کسورلازمه ازمقرری آنها کسر وبصندوق وراث تحویل شده باشد

رئیس — آقای‌دست غیب

(اجازه)

مخبر- باید عرض کنم اینماده از آن موادی که باید تغییر داده شود لهذا آقایان متوجه باشند آنچه که بنده عرض میکنم یادداشت فرمایند وماده که طبع شده تغییر میکند وباین شکل درمی‌آید

وجوهی که مطابق ماده ۴۲ بصندوق وظائف متقاعدین ووراث مستخدمین داده می‌شود ازتاریخ اجرای این قانون نباید بهیچ مصرفی برسد کسانی که از وجوه صندوق مزبور بمصرف دیگر برسانند در حکم سارقین اموال عمومی خواهند بود

مخبر — اگر رخصت می فرمائید دوباره بخوانم که آقایان‌یادداشت بفرمایند

رئیس‌التجار- بخوانید.

(مجدداً بشرح فوق قرائت کردند)

رئیس - یکدفعه دیگر هم قرائت بفرمائید تا مذاکره بشود

مخبر- بلی‌چشم.

(ثالثا قرائت نمودند)

رئیس- آقای دست غیب

(اجازه)

دست غیب — عرایض بنده در ماده اولی بود چون ماده

تغییر کرد دیگر عرضی ندارم ولی باید یك جمله اضافه شود و بنویسند (مگر اینکه بوراث مستخدمین برسد

رئیس — پیشنهاد کنید. آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب — بنده با این ماده مخالفم اولا می‌خواهم عرض کنم بنده که بعقیده خودم باماده ۴۲ موافقت کردم برای این بود که اخلاقاً دولت متوجه مستخدمین بشود واز ول خرجی آنها جلوگیری بشود ومبلغی درصندوق ضبط ودر موقع پیری بآنها بدهند وبعداز فوتشان هم بوراث آن ها بدهد ولی وقتی مستخدم مرده و پول هم درصندوق دارد ووراث اوهم محتاج هستند چطور ما می توانیم بگوئیم مستخدم که مرده و پولی هم ازاو در صندوق هست بوراث او نباید برسد ؟ مطابق این ماده این طور می‌شود

ثانیاً — نوشته شده از این پولی که درصندوق هست هر کس بمصرف میرساند جزو سارقین محسوب می شود این مسئله مجازات است و ربطی باین ماده ندارد وباید درجای دیگر نوشته شود این ماده برای این است که دراین وجوهی که در صندوق هست چه وقت باید مداخله بشود و کی بدهد خیانت مربوط باین جا نیست و ماده سابق خیلی بهتر از این ماده بود که اگر تاپنجسال حقوقات معینه درماده ۴۲ ازیك مستخدمی کسر شده باشد پس ازفوت او وبعداز پنجسال بوراث اوداده می شود منتهی بنده درپنج سال باآن ماده مخالف بودم وباقی دیگرش را موافق بودم وخوب بود و باید در این ماده ملاحظه عسرت وراث هم بشود نه اینکه هر وقت دلشان خواست بدهند

بنده بااین طرز مخالف هستم و باید اگر مستخدمی مرد ووارثش هم محتاج است فوری حق آنها داده شود و یا اقلا یك مدت قلیلی معین نمایند

رئیس — آقای سهام السلطان

(اجازه)

سهام‌السلطان — اینکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند تکلیف وراث مستخدمین درصورت عسرت قبل از پنجسال چه خواهد بود ؟ در ماده بعد نوشته شده که هر گاه مستخدمی قبل از انقضاء مدت پنجسال مذکور درماده فوق . . . .

(بعضی ازنمایندگان- آن ماده هم حذف می‌شود)

سهام‌السلطان — نه خیر حذف نخواهد شد منتهی اگر اصلاحی لازم باشد باید درشور دوم بشود بنابراین بنده بااین ماده موافق هستم وعیبی ندارد

رئیس — کمیسیون حق دارد هر موقعی که بخواهد ماده سابق را استرداد نموده وماده جدیدی پیشنهاد کند آقای دولت آبادی .

(اجازه)

حاج میرزاعلی محمد - بنده عرایضم در ماده قبل بود که گذشت وعرض ندارم .

رئیس - آقای سلیمان میرزا هم که موافقند ؟ آقای حاج شیخ اسدالله

حاج شیخ اسدالله - توضیحی را که آقای مخبر دادند بنده درست ملتفت نشدم که آیا قسمتی از آن ماده سابق ضمیمه این ماده می‌شود یا نمی‌شود ؟ اگر بکلی آن ماده را بر داشته‌اند که یکقسمت از آن مواد بعدی بلاتکلیف می ماند زیرا بعضی از آنها راجع باین ماده است و بهم پیوسته است واگر برداشته نشده خوب است توضیح بدهند که این ماده از آن صورت باین صورت درمی‌آید ودرهرحال بعقیده بنده قید مدت لازم است ودر این ماده که پیشنهاد کردند نوشته‌اند صندوق متقاعدین وراث مستخدمین د صورتی که درماده قبل این صندوق مخصوص بوراث تنها بوده و حالا متقاعد بنهم اضافه شده در این صورت اگر مواد باید تغییر کند و اگر این طور باشد عقیده بنده این است که باید این مواد بر گردد بکمیسیون واصلاح شود بعد باید بمجلس ومذاکره بشود

مخبر — آنکه عرض کردم برای استحضار آقایان بود عرض کردم این مواد برای این که شامل تمام وراث و متقاعدین بشود نوشته شد ولی همان طور که عرض کردم فرارشد برای مستخدمین موجود یك قانون دیگری ترتیب داده شود باین جهت این مواد تغییر کرد و شامل حال مستخدمین است که مطابق این قانون من بعد مستخدم می‌شوند و ماده چهل و چهارم هم حذف می شود

رئیس — مذاکرات کافی است یا نه ؟

(بعضی گفتند کافی است برخی گفتند کافی نیست)

رئیس آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - موافقم

رئیس . آقای دست‌غیب . مخالفند؟

دست غیب . با این ماده که قرائت شد خیر .

رئیس . آقای کازرانی چطور؟

کازرانی . موافقم

رئیس . آقای نظام‌الدوله موافقید؟

نظام الدوله - خیر مخالفم

رئیس بفرمائید

نظام الدوله- مخالفت بنده بااین ماده از حیث این است که موید ماده ۴۲ است وچون بنده باآن ماده مخالف بودم بااین ماده هم مخالفم

رئیس ماده ۴۴

مخبر . این ماده چون تابع ماده سابق است حذف می‌شود

رئیس . بسیار خوب ماده ۴۵ قرائت می شود

(آقای امیر ناصر بمضمون ذیل قرائت نمودند)

ماده ۴۵ . در موقعی که یکی از مستخدمین دولتی مستحق اخذ وظیفه تقاعدی می‌شود وزارت خانه مربوطه باید استادی را که بموجب آن اسم وشغل ومسکن ومدت خدمت و میزان مقرری و میزان وظیفه تقاعدی و استحقاق شخص متقاعد را مطابق مقررات این قانون ماخذ وظیفه ثابت می‌نماید جمع آوری نموده پیشنهاد متقاعد شدن مستخدم مزبور را بامضای وزیر متبوع برساند پس از آن کلیه اسناد و پیشنهاد مزبور بوزارت مالیه ارسال می‌شود تاپس از تصدیق وامضاء وزیر مالیه بشورای دولتی ارسال گردد

رئیس — آقای آقاسید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب — سؤال می کنم قبل از آنکه شورای دولتی تأسیس شده بکجا رجوع می‌نمایند ؟

مخبر - تبصره را قرائت بفرمایند

رئیس- کسی دیگر اجازه نمی‌خواهد؟

(گفته شد - خیر) ماده چهل وششم قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۶ — شورای دولتی اسناد ونوشتجات مذکوره در ماده ۴۵ را بامقررات این قانون مطابقه و موافقت آنرا تصدیق می‌نماید پس ازاین کلیه آنهارا بوزارت مالیه عودت می‌دهند تا دردفتر کل حقوق تقاعد ثبت نموده به وزارت خانه مربوطه ارسال نماید که آن وزارت خانه سندبرقراری حقوق تقاعد راصادر کرده بشخص متقاعد بدهد

رئیس — آقای حاج میرزاعلی محمد دولت آبادی

(اجازه)

حاج میرزاعلی محمد — می‌خواستم از آقای مخبر سئوال کنم اینکه نوشته‌اند (تصدیق نماید) یعنی مجبور است که تصدیق بکند؟ یا اینکه اگر نقصی در آن دید می‌تواند آنرا رد کند. اگر قسمت اخیر باشد صحیح است والا اگر بگوئیم مجبور است تصدیق نماید و باو حق نداده باشیم که ملاحظه نماید ببیند آیا صحیح است قبول کند یا نقصی دارد رد کند ؟ بنده نمی‌دانم آنوقت تکلیف چیست

مخبر -برای همین کار بشورای دولتی میرود که مدت خدمت را ببیند ومطابق با این قانون بکند آنوقت اگر صحیح بود تصدیق کنند ندانسته که تصدیق نمی کنند

رئیس آقای کازرونی (اجازه)

آقای میرزاعلی- بنده باماده موافق هستم لکن این جا که مینویسد (بوزارت مالیه عودت داده می‌شود در دفتر ثبت نمود بوزارتخانه مربوطه ارسال نماید) گمان میکنم پس از آنکه در باسید لایحه بمالیه اش را همانطور که ثبت شده است باید بمجلس تقدیم نمایند که درمجلس مقدس هم تصویب شود

رئیس آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - اگر آقایان اجازه می‌دهند چون این مواد تغییر کرده و این ماده هم عطف باسبق می‌شود یکمختصری ازطرف کمیسیون عرض کنم .

چون آقای مخبر فراموش فرمودند یك قسمتی رادرضمن فرمایشاتشان بفرمایند وآن این است که این مواد پس از آنکه بوزارتخانها ارسال شد که بقانون استخدامی مراجعه نمود و با ادارات خودشان مراجعه آنرا تطبیق کنند اخیرا ۳ نفراز معاونین یعنی آقای انتظام‌الملك ومنصورالملك و منصورالسلطنه درجلسات کمیسیون قانون استخدام مشارکت پیدا کردند نظریات خودرا اظهار نمودند و نظریات اعضاء کمیسیون هم بانظر دولت موافقت نمود چون ملاحظه کردند در موضوع حقوق تقاعد اگر بترتیبی که اول خودشان پیشنهاد کرده‌اند بخواهند عمل می‌شود دولت از عهده برنمی‌آید بنابراین این مراد راتغییر دادند برای این که بعد از نوشتن قانون کسانی که بواسطه کثرت سن متقاعد می‌شوند دولت از پرداخت حقوق آنها عاجز نشود وآنوقت قانون عملی نشود .

بنا براین مطلب تغییر کردو صدینج نوشته شد این است که بنده عرض می کنم باید باین قانون از این نظر نگاه کنید که دوست مستخدمین را با شرایط مقرره این قانون اجیر میکند مثلا میگوید من بتو صد تومان مواجب میدهم بشرط اینکه صد پنجش را در این صندوق بگذاری آن مستخدم می‌داند که صد حقوق تمام مدت خدمت وحقوق ماه اول واضافه مواجب ۱ ماهه ومواجب ایام غیبت او تمام داخل صندوق می‌شود همچنین سایر شرایط این هارا مستخدم ازاول می‌داند اگر این شرایط راقبول کرد نوکر دولت می‌شود و اگر قبول نکرد نوکر دولت نیست بنا بر این اشکالات که آقایان می‌فرمایند و می گویند این پول مال اوست واردنیست زیرا بعداز مجرا شدن این شرایط به مستخدم تعلق می گیره مثلا مجلس قرارداده مایکی ۲۰۰ تومان بگیریم ولی نظام‌نامه داخلی هم شرایطی معین کرده که اگر دیر آمدیه یاغایب بودید فلان قدراز حقوق شما کسر خواهد شد دراین صورت اگر دیر آمدید وه قران ازشما کسر کردند دیگر بعدلیه

رفتن ومعاکمه لازم ندارد ونباید گفته شود من باید آخر ماه ۲۰۰ تومان بگیرم چرا ه قران کسر کردند اینجا هم همین طور است ودر قانون یك شرایط مقرره هست ووقتی مطابق آن شرایط عمل شد آن پول مال بنده می شود اگر یك مستخدمی صده شهریه اش را ۵ سال در صندوق گذاشت و بعد بدون استرضای دولت رفت مدیر شعبه تجارتی شد آن صده باو پس داده نمی‌شود گفته نشود که این پول مال اوست زیرا بااین شرایط اجیر می شود اگر خواست این شرایط را قبول می کند والا حالا بر گردیم باصل ماده آقای کازرانی اشکال می کنند که دولت وقتی می‌خواهد حقوق تقاعدی بدهد باید لایحه آنرا بمجلس بیاورد بنده عرض میکنم همچو چیزی ممکن نیست الان این قانون را مجلس وضع میکند که اشخاصیکه دارای این شرائط هستند و عمرشان بشصت یا هفتاد رسیده و سائر شرائط راحائز هستند حق را دارا هستند و شورای دولتی هم این شرائط را با اسناد ونوشتجات راجعه بآنشخص تطبیق میکند اگر مطابق باقانون دارای این شرائط شد این حقوق را باو بدهند دیگر محتاج نیست بمجلس بیاید این نظر آقای کازرونی مثل این استکه امروز ما رأی بدهیم فلان مبلغ مالیات گرفته شود بعد بگویند باید جزء جزء درمجلس بیاورند ورأی بدهیم این دیگر وظیفه ما نیست ما بطور کلی رأی می‌دهیم هر کس فلان قدر نقد و جنس دارد باید فلان مبلغ مالیات بدهد مامور اجرای این قانون وزارت مالیه است و مطابق همان شرایط پول می گیرد پرداختش همانطور است شورای دولتی یا هیئت وزراء شرایط مستخدم را با این قانون تطبیق می کند اگر موافقت پیدا کرد حکم می‌دهد و پرداخته می شود باز هم عرض میکنم باید این شرائط رعایت شود بعد ها گفته نشود این پولی که ازاو گرفته می شود چرا پس داده نمی‌شود .

رئیس- مذاکرات کافی است؟

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس- ماده چهل وهفتم

(بتفصیل ذیل قرائت شد)

وجوهی که بصندوق وراث داده می‌شود منحصراً برای پرداخت وظائف وراث مستخدمین تخصیص و بهیچ عنوان نباید از این محل به مصرف دیگر برسد ودر صورت عدم کفایت وزیر مالیه درموقع تهیه بودجه کل مبلغیرا که از عایدات مملکتی باید بصندوق وراث داده شود در جزء مصارف امسال پیش بینی خواهد کرد .

مخبر - دراین ماده بعد از وظائف وراث مستخدمین (وظائف متقاعدین) هم باید اضافه شود زیرا بناشد حقوق متقاعدین هم داخل این صندوق بشود وهمچنین در آخر ماده باید نوشته شود بصندوق وراث وصندوق متقاعدین داده شود .

رئیس- آقای عمادالسلطنه خراسانی مخالفید یا موافق؟

عمادالسلطنه — مخالفم .

رئیس — بفرمائید.

عمادالسلطنه — در قسمت آخر این ماده می نویسد اگر این مبلغ کفایت نکرد وزیر مالیه باید ازعایدات مملکتی در بودجه مبلغی برای این مصرف پیش بینی نماید بنده دراینجا هیچ فلسفه نمی بینم که از عایدات مملکتی ضمیمه صندوق وراث مستخدمین شده البته هرچه وارد صندوق شد باید همان را بوراث بدهند و بنده در این قسمت مخالفم .

رئیس- آقای سهام السلطان .

(اجازه)

سهام‌السلطان - چنانچه ملاحظه می‌فرمائید برطبق این قانون دولت بامستخدم یك شرائطی می کند مثلا اگر تامدت معینی خدمت کند باو حقوق تقاعد داده شود وبعداز مرك هم بوراث او بدهد ودر صندوق وراث هم وجوهی هست حالا احتیاطاً ممکن است در یك موقع وجوهی برای آنها معین گردد از هرجا هست باید بآنها حقوق بدهد در اینصورت باید ازعایدات مملکتی آن کسر پرداخته شود و این هیچ محل گفتگو نیست .

رئیس- آقای حاج شیخ اسدالله .

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده موافقم .

رئیس- آقای کازرانی .

(اجازه)

آقامیرزاعلی- مخالفم.

رئیس — بفرمائید.

آقامیرزاعلی — این جمله (اگر کفایت نکرد) جمله کش داری است وممکن است هرمبلغ بدهند گفته شود کفایت نکرد درصورتی که ما یك درجات و مضرراتی برای متقاعدین و وراث آن ها قائل شدیم این را بنده یك چیز فوق العاده می بینیم که از عایدات مملکتی هم برای آنها پیش بینی شده باشد و بنده جمله اخیر را زاید می دانم

رئیس- آقای سلیمان میرزا

اجازه)

سلیمان میرزا — بعد از اینکه این قانون گذشت ملاحظه می‌فرمایند مطابق مواد قبل باید مستخدمین که استخدام می‌شوند بعد از سی سال خدمت بخود یا پس از فوت بوارثشان حقوقی بدهند و از این بابت تا آن مدت چیزی پرداخته نخواهد شد .

اما اگر مواد ۳۲ و ۳۳ را ملاحظه بفرمائید خواهید دید اشخاصی مشمول این موارد هستند که فردای آنروز که این قانون امضاء شد و بموقع اجرا گذارده شد ممکن است شما مجبور شوید بآنها یك حقوق تقاعدی بدهید یا بورثه آنها وظائفی بدهید .

مثلا یکی از این مستخدمین درجائی که آتش گرفته می بیند یك بچه دارد می‌سوزد خودش را در آتش می‌اندازد و اوراخلاص می کند .

درضمن خلاص کردن او چشم خودش معیوب می شود دیگر نمی تواند کار کند و هنوز موقع تقاعدش هم نرسیده

معذالك بلافاصلهٔ باید شما از این صندوق حقوق تقاعد بدهید یا اگر تلف شده بوراث او باید وظیفه بدهید و چیزی که بر این صندوق بعد از امضاء این قانون تعلق می گیرد حقوق اشخاصی است که در موارد سی و دو وسی و سه ذکر شده که ممکن است ماده اول و دوم یا یك هفته بعد این واقعه اتفاق افتد و مجبور باشید از این صندوق بپردازید و در این صورت چیزی هم در این صندوق جمع نشود وجمعی ندارد که این خرج را بپردازند .

در این صورت البته باید دولت کمك کند و مبلغ این مساعدت را باید در بودجه پیش بینی کند و مجلس رأی بدهد و این اعتبار جدیدی است در بودجه این است که اگر عایدی صندوق کفایت نکرد باید ازمصارف عمومی پرداخته شود البته بمستخدمی که مطابق حدود خودش رفتار می کند نمی‌شود گفت چون امسال صندوق کسر دارد بتو چیز نمی دهم این است که دولت در این موقع جبران میکند و کسر صندوق را می دهد و درموقعی هم که اضافه داشت در صندوق باقی می‌ماند

رئیس مذاکرات کافی است یا خیر ؟

(جمعی گفتند کافی است)

رئیس — ماده چهل وهشتم

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۴۸ وزارت مالیه مکلف است نظامنامه مخصوص صندوق وراث را تهیه نماید .

رئیس — لفظ متقاعدین هم اضافه می‌شود در این جا مخالفی نیست؟

(اظهاری نشد)

ماده چهل و نهم

(بترتیب ذیل قرائت شد)

ماده ۴۹ — هیچیك از مقررات این قانون شامل وزراء ومستخدمین در بار و نمایندگان مجلس شورای ملی نخواهد بود لیکن اگر یکی از مستخدمین وزارتخانه ها بیکی ازمشاغل مذکوره نائل شود سابقه خدمتش در وزارتخانه مربوطه محفوظ و مدتی را که در خدمات جدیده خواهد بود جزء خدمت رسمی آنها محسوب می شود مشروطبر اینکه درمدت مذکوره کسورات لازمه را مطابق ماده ۴۲ بتوسط وزارت‌خانه سابق خود بصندوق وراث عاید دارد و تاموقعی که برای مشاغل مذکور فوق قانونی راجع بحقوق انتظار خدمت و تقاعد وضع نشده است مقام و مقرری را که اخیراً در وزارتخانه مربوطه دارا بوده اند اساس حقوق انتظار خدمت و تقاعد آن ها خواهد بود

رئیس — آقای دست‌غیب (اجازه)

حاج سیدمحمدباقر دست غیب- بنده نفهمیدم بچه مناسبت لفظ نمایندگان در اینجا نوشته شده است این هیچ موضوع ندارد زیرا نمایندگان ناظر بر دولت هستند نه مستخدم دولت و اگر هم آقایان توضیح بخواهند باز در ثانی عرض می کنم

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد هم مخالفند؟

حاج میرزاعلی محمد - بلی مخالفم

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - اولا نمایندگان باید با کمال افتخار حاضر شوند که آنها را - مستخدمین مملکت بدانند و منتهای افتخار نماینده این است که مستخدم مملکت است مملکت وملت یکی است ما که دراینجا نشسته ایم باسایر مستخدمین دولت فرقی نداریم همه مستخدم مملکت هستیم و باید نهایت تشکر را داشته باشیم که به این خدمت موفق شده ایم بنابراین نباید اشکال بکنند که چرا نمایندگان جزو مستخدمین نوشته شده اند نمایندگان هم جزو مستخدمینند اما گویا آقا می خواستند بفرمایند که نمایندگان جزو مستخدمین کشوری نیستند که موظف باشند وشرایط این قانون درباره آنها صدق کند شاید اشکالشان این باشد ولی ازحیث مقام هیچ فرق نمی کند

دست‌غیب - مستخدم مملکت هستند نه مستخدم دولت

سلیمان میرزا اما راجع باصل مطلب اگر آقایان قانونی وضع کرده بودند که اجزاء ادارات دولتی حق انتخاب شدن ندارند ما هم اسم نمایندگان را نمی نوشتیم زیرا در آن صورت اجزاء وزارت خانه هارا در اینجا نمی‌دیدیم ولی چون مجلس چنین محرومیتی درقانون انتخابات نگذاشته است واعضاء وزارت‌خانه‌ها گاهی درمجلس هستند وگاهی دروزارت خانه وبعضی انجام وظیفه خودرا نداده برمی گردند وشغل وزارت خانهٔ ها را قبول می کنند باید دید قانون در مورد این آقایان بزرگوارچه باید بکند یعنی مدت نمایندگی آنهارا هم حساب بکند یا خیر؟ عرض کردم این شرایطی است که اگر شما یکسال دوسال صد پنج را نیردازید مستحق نخواهید بود درستی تقاعد حقوق بگیرند یا بوراث شما وظیفه بدهند در اینجا می نویسد (عضو یك اداره رئیس یك اداره وقتی نماینده شد و بمجلس آمد باید بداند که مواجب ماه اول او باید بصندوق تقاعد برود وصد

پنج مواجب اونیز بصندوق باید برود هم چنین راجع بسایر شرایط و باید بدانند وقتی بمجلس آمدند این ترتیبات درباره آنها مجرا خواهد شد و اگر ندهند آن سهم‌هائی هم که در وزارتخانه داده‌اند از کیسه میار کشان رفته است وحقوق تقاعدشان را میدهند ولی اگر بخواهند مدت خدمتشان محسوب شود وحقوق تقاعد ووظیفه دریافت دارند باید رعایت این ماده را بنمایند

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - بنده بامستخدمین دربار مخالفم زیرا این قانون یك حقوقی برای مستخدمین تعیین می کنند ویك حقوقی برای وزراء هیچیك نمی توانند ازحقوق خودشان تجاوز کنند ولی چطور شده است که مستخدمین دربار ازاین قانون مستثنی شده اند؟ حالا شاید آقایان بگویند که چون حقوق دربار بطور کلی داده می‌شود ویك صندوق مخصوص در دربار هست ووظائفشان را در دربار می‌دهند نمی‌شود آنهارا جزو این قانون قرارداد بنده عرض می کنم چه فرق می کند مابین دربار و مستخدمین غیر دربار وهیچ فلسفه ندارد یکدسته مستثنی باشند شخصی که دراینجا مستخدم می‌شود مطابق وظیفه خودش رفتار می کند چه دلیل دارد که وزیر دربار بتواند اورا عزل ونصب کند وحقوقش را کسر یا زیاد کند بنابراین بنده معتقد هستم که خارج ازمقام سلطنت مستخدمین وزارت دربار مثل سایر وزارتخانه ها باید مشمول این قانون باشد

مخبر — چون این قانون استخدام مستخدمین کشوری است ومستخدمین درباری جزو این قانون نیستند حالا اگر می‌خواهید آنها هم داخل باشند یعنی ازحقوق تقاعد وغیره استفاده کنند باید یك قانون علیحده وضع کنید

رئیس - مذاکرات کافی است

(جمعی - گفتند کافی است)

حائری زاده - بنده سؤالی دارم

رئیس — گویا مخالفی نباشد که - مجلس چند دقیقه تعطیل شود

(دراین موقع جلسه برای تنفس - تعطیل وپس ازسه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید

رئیس — لایحه قانون ممیزی عمومی ماده اول مطرح است

دست غیب — بندهٔ در عرض سابق خودم توضیحی دارم

رئیس - بفرمایند

حاج سید محمد باقر دست غیب - راجع باینکه بنده عرض کردم جاندارد در این قانون نمایندگان مجلس شورای ملی را بنویسند شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند که نمایندگان هم خادم مملکت هستند بنده عرض نکردم - نمایندگان خادم مملکت نیستند البته هستند وبنده هم که پست ترین افراد نمایندگان هستم خود را یکی ازخدام این مملکت می‌دانم زیرا مملکت مملکت اسلامی است دراینکه نماینده هر مسلمانی خادم این مملکت واسلام است حرفی نیست ولی اشکال در این بود که نمایندگان مجلس شورای ملی مستخدم دولتی نیستند مستخدم مملکت ایران و مستخدم اسلامند منافی نیست که یکنفر مستخدم مملکت باشد ولی مستخدم رسمی دولت نباشد برای رفع اشتباه این توضیح راعرض کردم وحالاهم همان عقیده رادادم که لفظ (نمایندگان) نباید نوشته شود

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - آنروز که بنده راجع بگاو و گوسفند عرض کردم آقایان همچو نهمیدند که بنده عرض کردم ایلات وعشایر مالیات نباید بدهند مقصود بنده این نبود عرض کردم دهاقین ورعایا یك چیزی به مالك می‌دهند و دیگر نباید دوجا مالیات بدهند ویك ترتیبی باید برای آنها داده شود

رئیس - آقای نظام الدوله

(اجازه)

نظام الدوله - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای معتمد التجار

(اجازه)

معتمد التجار - بنده اجازه نخواستم

رئیس - درجلسه گذشته راجع به قانون ممیزی اجازه خواسته بودید

معتمد التجار - بنده عرضم را کرد

رئیس - آقای مدرس

(اجازه)

مدرس - چون بواسطه کسالت مزاج بنده در شور کلیات حاضر نبودم حالا به اجازه آقایان درماده اول بعضی عرایض می کنم که انشاءالله مورد توجه آقایان بشود حاکم وسائس یك جمعیت باید ازمال آن جمعیت آن جمعیت را اداره کند وجامع اداره کردنش در تحت این دو کلمهٔ است که تعمیر البلاد تامین العباد البته هم تعمیر بلاد مخارج مالی وارد وهم تامین عباد محتاج بخرج مال است والبته باید ازمال آن جهت باشد و این یك چیزی است که محتاج بگفتن نیست این سائس وحاکم یك مرتبه مبعوث ومنصوب ازجانب خدا است ودراین صورت باید ازروی کتابی که خداوند برای او فرستاده رفتار کند ولی امروز این خارج ازموضوع ماست والبته دستور ازبرای آن حاکم وسائس که منصوب از جانب خدا است همان کتاب آسمانی است ۱ مرتبه مثل زمان ما که این طور پیش آمده است آن حاکم وسائس منصوب ازجانب ملت است دراین صورت وظیفه او اجرا عدستوری است که ملت باو می دهد و هر دستوری از تعمیر بلاد وتامین عباد این ملت یعنی قاصبین وموکلین بآن وکیل می‌دهند باید رفتار کند وآن همین است که شما اسمش را قانون اساسی می گذارید قانون اساسی دستوری که ملت بآنشخص می‌دهد وآن حاکم وسائس اگر برطبق آن عمل نکرد ظالم ومتعدی و لازم الدفع است بواسطه این که وقتی یك اجنبی در کار یك شخصی بدون اجازه او دخالت کند ظالم وغاصب ومتعدی وسارق است پس دستوری که ملت باداره کنندگان داده همین قانون اساسی است وظیفه وکلاهم درقانون اساسی معین شده اینها تمام واضح است ومحتاج ببیان نیست مقصود بنده این است که خرج مملکت را که برای تأمین این جمعیت لازم است باید مملکت بدهد ولیکن سه فلسفه را باید مراعات کنیم یکی این که کی بدهد ؟ چند قسم بدهند ؟ چه طور گرفته شود وصرف شود ؟ اما بعقیده من این فلسفه هارا از آن فلسفه ها که داشتیم باید اخذ کنیم اما این خمس نیست ۰ زکوت نیست رد مظالم هم نیست مخارج مملکتی است که باید ازروی آن فلسفه‌ها بگیریم یعنی بطوری که ظلم نشود بلکه عدل شود واز عایدی بگیریم (جمعی از نمایندگان صحیح است) دراین صورت فقر وغنی مدخلیت ندارد هر کس عایدی دارد باید چیزی بدهد و برای این که شاهزاده محمدهاشم میرزا گوش بدهند ونفرمایند مالیات کم میشود عرض می کنم این برای مخارج مملکت است وفرضاً قرارداد یك گوسفندی یك شاهی یادهشاهی بدهند بعد دیدید کم است برای مخارج باید زیادتر قرار بدهید زیرا مسئله مخارج مملکت است و بساهست اتفاقات فوق العاده می‌افتد ومی گویند گوسفندی ۱ تومان بدهید باید داد برای این که مخارج مملکت را باید اهل مملکت ازعایدی بدهند بهمان فلسفه که زکوت را هم ازعایدی می دهند خدای نخواسته بعضی اوقات اگر اتفاقاتی بیفتد باید ازاصل برداشت وخرج مملکت کرد ولی برسائس لازم است که از روی عدالت وبقدری که محل خرج است بگیرد مگر اینکه آن سائس مخارج احتیاطی وذخیره لازم داشته باشد غرض عرض بنده این نیست لکن باید سه ملاحظه را کرد یکی اینکه ازاین چیزهائی که می‌خواهند مالیات بگیرند ۱ چیزی قرار بدهند که برای صاحبش هم صرفه داشته باشد اگر شما یك خراجی برملکی قرار بدهید که برای ملك دارصرفه نداشته باشد ملك داری نمی کنید همچنین برای گوسفند دار اوهم گوسفند داری نمی کند ملاحظه این مسئله اعم است و گمان بنده این است که اگر رجوع بدفاتر قدیم بکنند کما این که مادر اصفهان کردیم یك فلسفه هائی بود که پانصد سال دیگر هم باید در این مملکت حکم فرما باشد مثلا ما اراضی خالصه می گوئیم قدیم مفتوح العنوه می گفتند .

وخمس می گرفتند از املاکی که از باران مشروب می شد عشر می گرفتند واز املاکی که آبش خریداری بود نیم عشر می گرفتند این را از باب مثل عرض کردم که این فلسفه ها را رعایت کرده اند

حالا هم انصاف بدهید که اعضای کمیسیون قوانین مالیه خیلی زحمت کشیده اند وخیلی بقاعده این مواد را نوشته اند معذالك بنده در این مدت که کسالت داشتم مطالعاتی کردم و عقیده‌ام این است که اگر این مجلس این کار اساسی را برای این مملکت بکند اسباب آسایش مردم ودولت رافراهم نموده است

لذا امیدوارهستم که این قانون ممیزی طوری ازروی دقت بگذرد که هم مالك بتواند ملك داری بکند و هم مخارج مملکت بگذرد و بعد مجبور نشویم آنرا نسخ کنیم مثل قانون نمك که ازروی کاغذ فقط حساب کردیم و بمکر اجرائش نبودیم بعقیده بنده قانون باید سهل الاجراء باشد و انشاءالله اشکال شاهزاده محمد هاشم و از نیست ومالیات کم نمشیود

بعلاوه از حالا نمی شود فکر کرد که آیا کمتر می شود یا بیشتر می شود البته اگر کم آمد از محل دیگر باید پرداخته شود

بنده داخل جزئیات این مطلب نمی - شود ولی بعقیده بنده نواقص دارد که آنها را هم پیشنهاد کرده‌ام وامیدوارم در کمیسیون محل توجه واقع شود

رئیس — پیشنهادی از طرف شاه - زاده سلیمان میرزا رسیده است چون راجع بدستور است قرائت می‌شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

چون از قانون استخدام چندین ماده بیشتر نمانده

لهذا بنده پیشنهاد می کنم دستور مجلس راتغییر داده وقانون استخدام مطرح شود که شاید در جلسه امروز وجلسه بعد شور اول خاتمه یافته و بزودی شور دوم شروع گشته و این قانون که یکی از مفید - ترین قوانین است زودتر خاتمه یابد .

سلیمان محسن

رئیس - توضیح بدهید

سلیمان میرزا — این مسئله محتاج توضیح نیست آقایان همه مسبوقند که قانون ممیزی برای سال دیگر بایستی اجرا شود وبر فرض هم از مجلس بگذرد متعلق بسال جاری ندارد .

ولی قانون استخدام آتیه تمام مستخدمین

دولت را تأمین میکند و باید هرچه زودتر بگذرد و تکلیف مستخدمین ووراث آنها معین شود این است که کمیسیون استخدام وبنده از آقایان خواهش میکنم که چون تصویب این قانون بطول انجامیده هرچه زودتر شور اول آنرا تمام نمایند شاید در این جلسه وجلسه دیگر ختم شود واصلاحات لازم در کمیسیون شده و این قانون زودتر تمام شود و البته ممکن است بعد از آن قانون ممیزی را هم متوالیاً مطارح نمود و از مجلس گذراند دیگر بسته بنظر آقایان است

رئیس — رأی می گیریم بپیشنهاد آقای سلیمان میرزا آقایانیکه پیشنهاد ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

تصویب شد

ماده پنجاهم قانون استخدام مطرح است .

آقای شیخ الاسلام اصفهانی

(اجازه)

شیخ الاسلام — هفده ماده از مواد این لایحه محتمل است مصادیق بسیار پیدا نماید و قابل شکایت و اختلافات وبالاخره مورد رسیدگی و قضاوت بشود آن هفده ماده عبارتند از مواد:

۲ر۳ر۴ر۵ر۷ر۱۱ر۱۵ ر۱۶ — ۱۷ — ۱۹ — ۲۸ر۳۳ر۳۴ر۳۸ر ۵۵ تبصره ماده ۵۶ و ماده ۵۷

حالا اگر بنده بخواهم این موادرا یك بیك بخوانم وقت مجلس تضیع خواهد شد .

(بعضی از نمایندگان صحیح است)

حالا فقط دو ماده بیشتر قرائت نمی - کنم اول فصل دوم ماده یازدهم مراتب خدمت در ادارات کشوری بقرار ذیل است :

فلان و فلان فلان دوسه درجه است این ماده قابل اختلاف و رسیدگی و قضاوتست مثلا یك مستخدمی اظهار می دارد من منشی سوم نیستم بلکه رئیس شعبه هستم یامنشی دوم نیستم منشی اول هستم وهکذا مصادیق زیادی که موجب اختلاف می‌شود ماده پنجا و پنج می گوید انتخاب متصدیان مقاماتی که برای هریك از وزارتخانه ها لازم است ازمیان متصدیان فعلی ومنتظرین خدمت بارعایت فلان وفلان بعمل خواهد آمد مصادیق این ماده هم زیاد است و باعث اختلاف و اشکال خواهد شد یکی می گوید من قدمت خدمت دارم دیگری ندارد دیگری می گوید من لیاقت دارم عمرو ندارد ودرتمام این لایحه فقط ماده پنجاهم یك راهی برای قضاوت بدست می‌دهند واین راه هم اولا غیر ممکن وثانیاً غیرعملی است . غیرممکن است بواسطه این که یك مستخدم مثلا در آذربایجان ازوزیر متبوع خود شکایت دارد آیا ممکن است از کار خود دست بردارد بیاید طهران بر علیه وزیر عریضه بدهد ؟ فرضاً آمد و اقامه دعوی نمود وعریضه هم بدیوان تمیز داد بعد از چندی می گویند مطابق اصل فلان قانون اساسی وزیر باید مطابق قانون مخصوصی محاکمه شود والبته دراین صورت تولید اشکالات خواهد شد لذا عقیده بنده این است که یك راه عملی آقایان اعضاء کمیسیون استخدام برای شکایت مستخدمین باز کنند تافردا که این قانون بموقع اجرا گذارده می‌شود مملکت یك پارچه شکایت می‌شود بشود این دعاوی را قطع وفصل نمود والا همین طور نوشته شود بدیوان تمیز ارجاع می شود کافی نیست زیرا قانون نباشد دیوان تمیز نمی تواند رسیدگی نماید .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی مخبر کمیسیون قانون استخدام — البته شکایت مستخدمین ازوزراء را نمی‌شود بمحل دیگری رجوع نمود وزراء رانمیتوان بمحاکم عادی جلب کرد ناچار باید یك محکمه باشد که مقام اعضاء آن محکمه بالا بالاتر یا دررديف مقام وزراء باشد این بود که شورای دولتی را که بالاترین مقام است محکمه قرارداد یم که در آنجا رسیدگی شود و بعد از آن بمحکمه تمیز که حق محاکمه وزراء را دارد رجوع می‌شود بهتر از این دو محکمه هم معلی نیست والبته یك قانونی هم برای محاکمه آنها تهیه خواهد شد بدون قانون که نخواهد بود

رئیس - آقای گازرانی

(اجازه)

آقا میرزا علی — مرجع رسیدگی بشکایات مستخدمین از وزراء معین شده وبنده باآن مخالف نیستم فقط دراین جا اعتراض بنده آنجا است که اگر وزیر فرضا محکوم شد آیا فقط حکمی که ازطرف وزیر درباره مستخدم صادر شده است نسخ می - شود یا این که اگر معلوم شد وزیر برخلاف قانون یك حکمی بر علیه مستخدم داده و مستخدم را ازتمام حقوق بی جهت محروم نموده مجازاتی هم خواهد داشت ؟ اعتراض دیگر بنده راجع باشخاصی است که ازغیر از وزراء مثلا ازیکی ازرؤسای مافوق شکایت دارند وآنها حکمی درباره آنها کرده اند خواه در مرکز وخواه در ایالات آیا تکلیف آنها چه خواهد بود ؟ وهمین اگر ازمحکمه شکایت داشته باشد چه خواهد کرد ؟ عقیده بنده این است که باید یك راهی بطور عموم برای شکایت عموم متظلمین قائل شد

رئیس - آقای سهام السلطان

(اجازه)

سهام السلطان - چنانچه ملاحظه می فرمائید اگر یك وقت یکی از مواد قانون درباره یکی ازاعضاء اجرا نشود واین حکم ازطرف وزیر باشد مراجعه بشود بشورای دولتی میکند واگر آنجا تشکیل نشده باشد بدیوان تمیز رجوع می‌شود واما اینکه می‌فرمایند مجازات وزیر چه خواهد بود ؟ مجازات اورا دراین جا نمی نویسند در اینجا فقط ماده برای رفع تعدی ازمستخدم نوشته می‌شود و محلی برای رسیدگی بشکایات مستخدم معین می‌شود که باشورای دولتی یا دیوان تمیز است و اینکه آقای شیخ الاسلام ماده پنجاه و پنج را قرائت فرمودند دوصورت پیدامیکند یکی اشخاصی هستند که تازه قبول استخدام می‌نمایند . دراین قانون معین شده است که باید چه شرایطی دارا باشند ووقتی وارد شد بچه سمت وارد می‌شود ودرهر رتبه چند سال باید بماند تمام این‌ها معین شده است ویك صورت دیگر ماده پنجاه وپنج است که راجع به اشخاصی است که مستخدم می‌باشند و حالا وقتی است که محلی خالی شود وباید ارتقاء رتبه حاصل نماید

البته دراینصورت پرسنل هر اداره معین میکند که خدمت ولیاقت هر کس چیست وازروی دوسیه پرسنل اشخاصی را معین می کند ودرصورتیکه مستخدم بحکم وزیر اعتراضی داشته باشد باید بشورای مملکتی یا دیوان تمیز رجوع نماید

بنابراین گمان نمیکنم این ماده نقصی داشته باشد .

رئیس - گویا مذاکرات دراین ماده کافی است ،

(گفتند — کافی است)

رئیس - ماده پنجاه ویك .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده پنجاه و یکم نظامنامه های مذکوره در مواد ۳-۴-۶-۱۶-۲۱-۴۸ ازتاریخ تصویب این قانون تا ۳ ماه باید تهیه شود وبتصویب هیئت وزراء رسید و بموقع اجرا گذارده شود پس از تشکیل شورای دولتی باید کلیه نظامنامه‌های مذکوره بآنجا مراجعه شود .

وزیر مالیه — اینکه در این ماده قید شده است این نظامنامه‌ها باید تامدت ۳ ماه تهیه شود ابداً عملی نیست برای اینکه این نظامنامه‌ها یکی دوتا نیست هر ماده چندین نظامنامه لازم دارد وبایستی این نظامنامه‌ها بمرور تهیه شود و بعلاوه نظامنامه مثلا قانون ثابت نیست وبرحسب مقتضیات وقت بایستی اصلاح شود زیرا ممکن است نظامنامه‌را الان بنویسند و دوماه بعد لازم شود تغییراتی در اوبدهند باید این نظامنامه‌ها بشورای مملکتی که عنقریب قانون آن از مجلس میگذرد رجوع شود وبعد ازآنکه بتصویب شورای دولتی رسید بصحه همایونی رسیده واجرای شود دیگر رجوع آن به کمیسیون مجلس صلاح نیست .

نمایندگان بطور همهمه — آن مطلب راجع بقانون ممیزی است)

وزیر مالیه - به بخشید گمان کردم راجع باین قانون است در هر حال اصلا بنده تعیین مدت را برای نظامنامه‌های اداری بی مورد می‌دانم زیرا برای هر یك از مواد اینقانون چند ماده بایستی نظامنامه نوشت آنوقت چطور می‌شود در عرض ۳ ماه چندین نظامنامه که هریك از آنها شاید متجاوز ازصد ماده باشد تهیه وبموقع اجرا گذارند این است که بنده تعیین مدت را زائد می‌دانم .

فقط قید اینکه باید نظامنامه‌ها تهیه شود کافی است .

رئیس — آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - آقای وزیر گویا در موادی که نظامنامه راجع بانها بایستی نوشته شود دقت نفرموده‌اند و ملاحظه نفرموده‌اند که اگر این نظامنامه ها نوشته نشود این مواد اصلا بموقع اجرا گذارده نخواهد شد اغلب این نظامنامه‌ها درواقع الان نوشته شده وموجود است و به آن عمل می‌نمایند مثلا ماده دوم می گوید داوطلبان درخدمت رسمی درادارت کشوری باید شرایط ذیل را دارا باشند ۱ - تبعیت ایران ۲ - داشتن هیجده سال لااقل وفلان وفلان آیا امروز که برای وزارت عدلیه قاضی لازم باشد ازروی یك تربیت و قانونی که امروز لایحه‌اش ازکمیسیون گذشته است عمل نمیکند ؟

دروزارت خارجه یا مالیه از روی چه شرایطی اجزاء قبول میکنند ؟

بنده گمان میکنم لابد یك شرایطی دارد که الان هم بموقع اجزاء گذارده می‌شود واگر چنین نظامنامه نیست پس ازروی قرعه ازاهالی شهر اجزاء انتخاب می‌نمایند ؟ !

بنابراین حالا هم یك نظامنامه موجود دارند ماده چهار را میخوانم تا آقای وزیر بدانند هیچ اشکالی ندارد :

ماده چهارم دخول درخدمت رسمی بطرز مسابقه بعمل آید و هر وزارت خانه مکلف است ترتیب مسابقه را مطابق احتیاجات اداری در نظامنامه داخلی خود قید نماید وماده پنجم می گوید مدتی را که مستخدمین در ابتداء ورود بخدمت بعنوان عضو مبتدی کار میکند جزء مدت خدمت رسمی آنها محسوب نمیشود وابتداء خدمت مستخدمین ازروزی است که رسما داخل خدمت شده باشند ودر موقع ترفیع رتبه یا اضافه مقرری مدت خدمت رسمی رعایت می‌شود اعم ازاینکه دریك وزارت - خانه خدمت کرده باشند یا دروزارتخانه‌های علیحده مشروط بر اینکه خروج از یك وزارتخانه درنتیجهٔ محکومیت بانفصال نبود الی آخر خوب اگر فرضاً وزارت عدلیه این

نظامنامه‌ها را نداشته باشد چطور عمررا بریزید ترجیح می‌دهد اگر دراداره این قوانین موجود نباشد بنده نمیدانم پس ترتیب آن اداره چه خواهدشد ؟

بنده‌مدت ۳ ماه را هم زایدمی‌دانم ویك هفته رابرای‌تهیه آنها کافی‌می‌دانستم همین‌طور ماده ششم راجع بقسم است که باید درنظامنامه‌ترتیب ادارهٔ‌مراسم‌تعلیف معین شود که فرضاً در کدام اطاق بروند وچطورقسم‌بخورند اینهم که کارمشکلی‌نیست ماده شانزدهم هر گاه مستخدمی بموجب ماده ۱۵ مستحق ترفیع رتبه شده و بواسطه نبودن محل به ترفیع رتبه نائل نگردد وبرطبق نظامنامه داخلی درحدود تفاوت بین حد اقل‌واکثر مقرری مقام‌خود اضافه حقوق دریافت خواهد نمود.

خود این ماده ترتیب را معین کرده‌و تعیین حد اقل واکثر حقوق هم چندان اهمیتی ندارد ماده بیست و یکم راجع ساعت کارخودش را نداند چطورمیتواند بساعات کاروایام تعطیل مستخدمین است آنهم معلوم است هر اداره میداند جمله را باید تعطیل کرد مستخدم اگر قبول مسئولیت نماید ؟

ماده ۴۸راجع به‌تهیه‌نظامنامه‌صندوق وراث است فقط نظامنامه که قدری وقت لازم دارد وقابل این است که دو سه ماه برای تهیه آن وقت معین شود همین نظامنامه است وبجهت همین ماده بود که ما هم سه ماه وقت قائل شدیم و فعلا هم ممکن است مدت تهیه نظامنامه را برای اجرای‌این‌ماده‌چهارماه‌یاششماه‌تعیین‌نمایندو شاید مانعی هم نباشد ولکن راجع‌بسایر مواد اینطور نیست بعقیده بنده مستخدمی که قسم نخورده باشد مستخدم نیست بین قسم سایرمواد که فعلا بآنها عمل می‌شودو چند روزبلکه چند ساعت بیشتربرای تهیه آنها وقت لازم نیست حالا اگر در نظر وزارت مالیه وقتی که برای نظامنامه ماده ۴۸ قرارداده‌اند کم است ممکن است در کمسیون تشریف آورده‌وتقاضای تمدیدنمایند

وزیرمالیه — بنده همین طور که حضرت‌والا فرمودند البته مداول این‌مواد مختلفه تمام را بیك نهج عرض نمی کنم در این مدت غیرقابل اجراء است البته بعضیها ازقبیل نظامنامه راجع به تعطیل و ساعات کار وغیره سه ماه وقت لازم ندارد بلکه کار یك روز است ولی بعضی ها خیلی مشکل است زیرا امروز که این‌قانون تدوین شد نظامنامه هائی برای اجراء این‌قانون نوشته‌می‌شود البته با نظامنامه‌های سابق ادارات تفاوت خواهد داشت الان در ادارات چه شرایط برای ورود قرارداده‌اند ؟

شرایط ورود آنها مسائلی است که در ابتداء امر خواسته‌اند قدری ورود بادارات دولتی را محدود نمایند وازروی یك نظریاتی نوشته‌اند ولی حالا در این مدت بآن عمل شده است یا نشده آقایان بهتر می‌دانند اما درهرحال نظامنامه ها با یك شرایط خیلی منظمی نوشته شود و رعایت نکرده‌اند که بایستی بموقع عمل‌و اجرا گذارده‌شد.

این است که البته دراینموقع که تا قانون تدوین می‌شود اجرای آن کار سهلی نخواهد بود وبعلاوه تا موقعی که این نظامنامه‌ها نوشته نشوداین قانون‌بدرد نمی‌خورد وعاطل خواهد ماند.

راجع بشرایط ورود هم فقط وزارت عدلیه است که اخیراً نظامنامه ترتیب داده ووزارت خارجه ومالیه هم شرایطی دارد لکن هیچکدام کامل نیست نظامنامه‌وزارت عدلیه راجع به هیئت قضات‌نسبتاً کامل‌است ولی سایر نظامنامه هابسیارناقص‌میشود این است که عرض‌می کنم برای تهیه نظامنامه یك وقتی باید قرار داد وقتی بیك اشخاص اجراء یکعده مرادی را تکلیف میکنم تقاضای‌دولت ازآنهامعلوم‌ومعین‌باشد آقای شیخ‌الاسلام فرمودنداانتخاب‌متصدیان از روی چه میزانی خواهد بودهمین‌مسئله مربوط میشود بهمین نظامنامه ها زیرا امروز که قانون نوشته می شود بایستی شرایطی معین شود و سعی کرد کسانی که واجد آن‌شرایط هستند بآن مقامات‌برسند پس‌برای رجوع کار باشخاص‌آن‌اشکالاتی که فرمودند پیش نخواهد آمدوبالاخره اگر هم اشکالی هست همین نظامنامه‌ها رفع‌مینمایدوهمچنین‌راجع بنظامنامه‌صندوق تقاعد وغیره که یك مدتی برای تهیه آن وقت لازم است زیرا در نظامنامه های اداری اقلا باید یکسال بیك سال‌تجدید نظر شود و تغییراتی که‌لازم است در او داده شود واگر قید نمایند این نظامنامه ها باید در عرض ۳ ماه تهیه و بموقع اجراء گذارده شود دیگر حق نخواهند داشت مثلا بعد از چند ماه تغییری در آن بدهند و برای‌جزئی تغییری‌باید یك ماه ازمجلس شورای ملی بگذرد که حق تغییر نظامنامه را دارا هستند. بنا بر این اختیار تدوین این نظامنامه‌ها را بایدبعهده هیئت دولت گذارد و علاوه شود که هر هر موقع هم لازم شود جرح و تعدیل نمایند بنا براین بنده گمان می کنم اگر برای بعضی از این موادبیش‌از این‌وقت معین نشود این قانون‌غیر عملی‌خواهدبود

رئیس مذاکرات کافی است؟

(جمعی گفتند- کافی‌است)

رئیس — ماده پنجاه و دوم

(بمضمون ذیل قرائت‌شد)

ماده پنجاه و دوم

(بمضمون ذیل قرائت‌شد)

ماده پنجاه و دوم - هیچ مستخدمی شغل صاحب جمعی نقدی یا جنسی دولت را عهده دار نخواهد شد مگر اینکه قبلا ضامن معتبری بوزارت خانه مربوطه داده باشد

رئیس — آقای نظام الدوله

(اجازه)

نظام الدوله — گمان می کنم این ماده یك قدری حقوق مستخدمین‌لایق را پست میکند زیرا فقط اشخاصی که صاحب ثروت و سرمایه باشند می توانند این نوع‌مقامات‌را اشغال‌نمایند واگرمستخدمی صاحب سرمایه نباشد باید محروم‌بماندبنده بنحو کلی عرض می کنم وگمان میکنم همین کلی برای ایفاء مقصودم‌کافی باشد و مخالفت بنده با این ماده ازهمین راه است

مخبر — این ماده مهمترین مواد این قانون است در ممالك دیگرعلاوه بر این شرط شرایط دیگری هم ذکر میکنند ما دیدیم اینجا شاید عملی نشود ننوشتیم . در آن ممالك حق الضمانه می دهند و مادون هم نیستند پیش از آن وجهی که از بابت حق الضمانه داده‌اند درنزدخود نگاه دارند و بمحل دیگری که معین شده است می‌بردازند البته اگر ماموری که وجوهات دستش است ضامن نداشته باشداوضاع همین‌طور است که ملاحظه‌می کنید بنا براین یاباید ضامن معتبر بدهد واگر نداد نمیشود مالیه را بدست او سپرد.

رئیس — آقای حاج شیخ اسدالله مخالفید؟

حاج شیخ اسدالله — بنده، موافقم لکن ناقص می دانم

رئیس — بفرمائید.

حاج‌شیخ اسدالله- در این ماده‌بطور اطلاق ذکرده است که باید ضامن گرفت اما میزان ضمانت‌مدت‌ضمانت‌و نوع‌ضمانت را معین‌نکرده‌است ومعلوم نیست ضامن‌تا چه قدراز ابواب جمعی او را باید ضمانت کند تمام‌ابوابجمعی را ضمانت کند یا یك مقداری از آن‌را مدت ضمانت‌چقدر است؟ آیا تا وقتی است که تفریغ حساب‌شود یا تا موقعی است که مأموریت دارد؟ ممکن است یك شخص بیچاره ازیکنفر ضمانت کرده باشد ولی‌دولت شش سال‌هم‌بحساب یك صاحب‌جمع رسیدگی‌نکند آنوقت این بیچاره بایستی تا یك مدت غیرمعینی‌درقید ضمانت باشد. اینها یك چیزهائی است که بایستی معین شود و الابنده با اساس‌آن موافقم‌لیکن بایدقدری واضح‌تروروشن‌تر نوشته شود که‌ضامن هم تکلیف خود را بداند

محمد هاشم میرزااین‌ترتیبات‌باید در نظامنامه نوشته شود

مخبر — این‌مطالبی که‌فرمودند قابل قانون نیست البته یك نفر که ضامن می شود خودش معین میکند تا چند وقت و تا چه مقدارضمانت میکند این دیگر محتاج بقانون نیست

وزیر مالیه- مطالب آقای‌حاج شیخ اسدالله صحیح است و نمیشودآن را بی اهمیت گذاشت‌زیرااگرخاطر آقایان‌باشد دردوره دوم‌مجلس که قانون‌دیوان‌محاسبات نوشته میشد یکی‌از موادی که در ابتداء پیشنهاد شده بوداین بود که باید دولت از صاحبان جمع واز اشخاصی که وجود دولتی در تصرف آنها است وجه‌الضمانه بگیرد مذاکرات خیلی زیادی در مجلس شد وبالاخره دیدند نتیجه این ماده همانطور که‌آقای نظام الدوله‌اظهار نمودند این خواهد بود که کلیه وجوه دولت باید در دست اشخاص باثروت‌باشد واشخاصی که ثروت ندارندا گرچه صحیح العمل هم باشندباید بکلی ازتحویل داری دولت محروم بمانند این‌بود که در قانون دیوان محاسبات اینطور اشاره شد که هر وقت قانونی برای طرز حق‌الضمانه‌واعتبار صاحبان جمع وضع شد دیوان محاسبات مطابق آن عمل نماید یك چنین ماده در آن قانون ذکرشد زیرا واقعاً نمی‌توان گفت که هر کس سرمایه نداشته باشد از این مشاغل محروم باشد لکن ازطرف دیگر این مطلب خیلی مهم است و باید معلوم‌شود که آیا این مالیه را که بیك ایالتی برای جمع‌آوری مالیاتهامیفرستند باید ضامن بدهد یافقط تحویل‌دارش باید ضامن بدهد یاهرچه‌اعضاءواجزاءمحاسبات هست باید ضامن داشته باشند و یا اینکه هر کس باندازه که وجه در دست اوست باید ضامن بدهد و بالاخره آیا یك‌وزیر مالیه هم باید باندازه مالیه مملکت تأمین بدهد یاخیر لازم نیست ؟ این است که‌این ماده خیلی مهم است و مبهم نوشته شده و باید یك شرایطی درخود قانون ذکرشود لازم هم نیست حتماً در قانون استخدام نوشته شودبلکه ممکن‌است‌قانون‌مخصوصی برای آن‌وضع کرد و ترتیباترا بایدقانون معین کندنه نظامنامهٔ . علیهذا بنده‌معتقدم که در این قانون هم درهمان زمینه‌که در قانون دیوان محاسبات نوشته شده اشاره بشود وبعد یك قانونی برای این مسئله وضع‌شود ودرآن صورت این ماده خیلی روشن‌تر وواضحتر خواهد بود

رئیس‌الوزراء- علاوه‌بر توضیحاتی که آقای وزیر مالیه دادند بنده‌هم سئوال می کنم آیا شغل صاحب جمعی تخصیص بمستخدمین ایرانی داده‌می‌شودیامستخدمین خارجه هم می‌توانند صاحب‌جمع بشوند ؟ اگر هردو می‌توانند شغل صاحب جمعی عهده شوند معلوم نیست که ماده‌ضمانت‌را فقط باید درحق مستخدمین ایرانی مجری داشت‌یا مستخدمین اروپائی وایرانی‌هردو باید ضامن بدهند ؟

رئیس - چون شور اول است‌اگر اصلاحاتی لازم باشد در شورثانی‌خواهد شد بالفعل بنده اغلب آقایانرا بامفاد این ماده موافق می‌بینم مذاکرات کافی نیست ؟

(جمعی گفتند - کافی‌است)

رئیس — پیشنهادات قرائت می‌شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده‌پیشنهاد می کنم که‌باین‌ماده‌علاوه شود که مطابق نظامنامه مخصوصی‌خواهد بود

(محمدهاشم‌میرزا)

پیشنهاد می کنم که این جمله‌برماده ۲۰ اضافه‌شود ونیز هر مستخدمی که تا وسط سال آتیه مفاصا نگرفت منفصل است

(شیخ‌الاسلام اصفهانی)

رئیس — پیشنهادات بکمیسیون ارجاع می‌شود

محمدهاشم‌میرزا - چون‌مجمل است اجازه فرمایند توضیح عرض کنم.

رئیس - توضیح را در کمیسیون باید بدهند

ماده پنجاه سوم

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده پنجاه سوم - مستخدمین جزء وزارت خانه‌ها و ادارات موافق نظامنامه داخلی آنها بدرجاتی‌تقسیم می‌شوندومادام که قانون مخصوصی‌برای حقوق تقاعد و وظائف آنها تصویب نشده است مقررات فصل چهارم در باره آن ها رعایت خواهد شد

رئیس - آقای دست‌غیب

(اجازه)

حاج سید محمد باقر دست غیب - بنده مخالفم وعرض می کنم می‌خواهند نظامنامه بنویسند یا قانون حقوق تقاعدی ، اگر نظامنامه است عیبی‌نداردو اگر قانون مخصوص بحقوق تقاعد آیا ناسخ‌این قانون است یا نیست ، اگرفاسخ این قانون است پس این‌قانون چه‌خواهد شد ، واگر ناسخ‌نیست‌بفرمائید

رئیس- آقای سهام السلطان

(اجازه)

سهام السلطان — چنانچه در این مواد ملاحظه‌بفرمائید این قانون‌برای مستخدمین بود که درجه بندی‌شود ازثبات الی معاون و چون در این قانون برای مستخدمین جزء تکلیفی معین نکرده بود کمیسیون ملاحظه کرد که اگر اسمی از آنها برده نشود عجالتة ازاین‌حق محروم خواهد ماند وبرای این که آنهاهم حقی داشته باشند این ماده را اضافه کرده‌اند تا موقعی که نظامنامه مخصوصی‌برای مستخدمین جزء وضع نشده مطابق فصل چهارم حقوق تقاعد ووظائف بآنها داده شده پس‌از آنکه قانون مخصوصی جهت مستخدمین جزء وضع شد مطابق مواد آن در باره آنها عمل خواهد شد ولی مادامی که نوشته‌نشده فصل چهارم این قانون در حق آنها معمول ومجری‌خواهد بود

رئیس - مذاکرات کافی است

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس - (خطاب بشاهزاده محمد هاشم میرزا) درشور اول کی رسم بوده است راجع به پیشنهاد ها توضیح بدهند همیشه مرسوم بوده است که پیشنهادات قرائت می‌شد و به کمیسیون رجوع می‌شد

محمد هاشم میرزا — توضیح در پیشنهاد برای فهماندن عقیده است و مانعی ندارد کدر شور اول هم توضیح داده شده

رئیس — رسم نبوده‌وسابقه هم نداشته ماده پنجاه و چهارم‌قرائت‌میشود

(بمضمون‌ذیل‌قرائت‌شد)

ماده پنجاه چهارم - مواد این‌قانون شامل مستخدمین اداری هیئت های شوروی و ادارات اجتماعی (مانندبلدی) خواهدبود

تبصره — وظایف راجع بوزراء را نسبت بمواد این قانون روسای هیئت های شوروی و اجتماعی انجام خواهندداد

رئیس — نسبت باین ماده مخالفی نیست ؟

(اظهاری نشد)

رئیس- ماده پنجاه‌وپنجم

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده پنجاه‌وپنجم- انتخاب متصدیان مقاماتی که برای هر یك از وزارت خانه ها مطابق ماده ۱۲ لازم میشود از میان متصدیان فعلی‌یامنتظرین خدمت آن‌وزارت خانه با رعایت قدمت خدمت وصحت‌عمل‌و لیاقت بعمل خواهدآمد

رئیس-مخالفی ندارد؟

(گفته شد-خیر)

رئیس‌ماده پنجاه ششم

(بترتیب ذیل قرائت شد)

ماده پنجاه وششم — مادام که عده منتظرین خدمت ادارات دولتی بیش از صدی پنج‌مقرره در ماده ۲۰ می باشدهیچ یك ازوزارت خانه‌ها وادارات حق‌استخدام عضو جدید ندارند و باید عضو لازم را با رعایت قدمت خدمت و دارا بودن شرایط و معلومات لازم از میان منتظرین خدمت وزارت خانها انتخاب نمایند

تبصره-منتظرین خدمت فعلی وزارت خانها کسانی هستند که لااقل پنج سال‌متوالی یا پنج سال در ضمن ده‌سال‌متناوباً برطبق قوانین یا احکام رسمی وزارتی خدمت کرده باشند

رئیس آقای آقاسیدیعقوب

(اجازه)

آقاسیدیعقوب-اینجا یك توضیحی می خواهم اینکه‌می‌فرمایندمنتظرین خدمت وزارتخانها ها می خواهم عرض کنم اگر فرضا وزارت‌مالیه‌اجراء بخواهدو دروزارت خانه خودش منتظرخدمت نداشته باشدولی در وزارت خانه دیگر مثل وزارتخانه‌عدلیه منتظر خدمت باشند و این شرایطی را هم کدر این وزارت خانه برای‌مستخدمین لازم‌است آنشخص دارا باشد آیا وزارت مالیه می تواند او را استخدام کندیاخیر؟ اگرنمی تواند باید اینجا توضیح داده‌شود ولی اگر این‌نظر محقق باشد وهروزارت خانه‌می تواندازوزارت‌خانه دیگرمنتظرین خدمت را استخدام کند همین عبارت است . بنده‌خواستم این مطلب راتوضیح بدهندتامعلوم‌باشد

وزیر مالیه - معنی عبارت بطور مطلق است یعنی یك اشخاصی که در وزارت خانه های مختلف خدمت کرده اند البته دولت می‌تواند از میان آنهااشخاصی را که لازم دارد انتخاب کندولی همانطور که گفته شدبادارا بودن شرایط لازمه‌شاید یك‌وزارت خانه مستخدمی‌می خواهد کدر مستخدمین‌وزارت‌خانه‌ها آن‌شرایط‌موجودنباشد در اینصورت معلوم است‌بخارج‌رجوع‌خواهند کرد ولی تا مدتی که بین منتظرین‌خدمت وزارت خانه ها اشخاصی باشند که واجد شرایط لازمه باشند از میان آنها انتخاب خواهدشد

رئیس آقای کازرانی

(اجازه)

آقامیرزاعلی کازرانی — بنده بطور کنایه و خیلی مختصر می خواهم عرض کنم

ما کاملامحتاج بافکار جدید ومردمان تازه فکر هستیم و این ماده تقریباً محدود می کند و اشخاصی راکه امروزیك افکار جدیدی برای‌خودتحصیل می کنند در تحت‌این‌ماده ازخدمت دولت‌تا یك اندازه‌محروم می کنیم‌وفقط عده که‌خیلی زیاد هستند و شاید۲۰ سال‌هم‌کافی نیست برای این‌که تمام بخدمت برسند آنها را برای خدمت بدولت‌معین‌می کنیم‌بنده تصور می کنم اشخاصی‌را که معلومات و افکار بهتری دارند بایدمنظور نمود وقطع نظر کنیم از این که یك‌شخصی چند روزدریك محلی حکومت‌داشته واین‌حکومت‌راوسیله و مدرك خود کرد وجزء منتظرین خدمت باشد از آنطرف اشخاص دیگر که‌بجهات عدیده لیاقت وفکرشان زیادتر است عقب بیفتند تا ببینم روزگار بآنهانوید می دهد که داخل خدمت‌دولت‌بشوند یانه‌این‌استکه بنده بکلی مخالف این‌ماده‌هستم.

مخبر-این ماده برای‌ترتیب‌ادارات بعدها منظور شده است و بعلاوه قید شده استکه بعد ها منتظرین خدمت بیش از صدپنج نباشدو این ترتیباتی که‌می فرمائید در کار نیست البته کسانی‌هستند که‌چندسال خدمت کرده‌اند و دارای شرائطی هم که شرط شده‌هستند نمی‌شود آنهارا گذاشته‌و مستخدمین جدیدی آورد وناچار باید از منتظرین خدمت حاضر استخدام کرد البته هرچه کمتر ازصدی‌پنج‌باشدمی‌شود مجدداً از اشخاص خارج‌داخل کرد .

رئیس- گویا مذاکرات‌کافی است؟ ماده پنجاه‌وهفتم قرائت می شود.

(اینطور قرائت‌شد)

ماده پنجاه‌وهفتم — مستخدمینی که موقع شروع باجرای این قانون بواسطه کثرت سن‌و کهولت یاعلل دیگراستحقاق تقاعد ازخدمت دارندبر صورتی که‌لااقل‌ده سال‌بموجب احکام رسمی‌خدمت کرده‌باشند بعده سنواتی که در سر خدمت بوده اند مطابق ماده ۳۰ حقوق تقاعد در باره آنها منظور خواهدشد.

مخبر- چون بناشد یك‌ترتیبی برای مستخدمین‌حالیه‌معین‌شود این‌ماده‌پس گرفته می‌شود تاترتیب جدیدی داده شود.

رئیس- ماده پنجاه‌وهشتم.

(بشرح‌زیر قرائت‌شد)

ماده پنجاه وهشتم -وظیفه‌اهلی‌وراث مستخدمین متوفی بارعایت‌ترتیب‌فقرات(۱) و(۲) ماده ۳۴ از این ببعد نیز بر قرار خواهد بود.

رئیس- این‌جاهم لفظ (تقاعد) باید اضافه شود؟

مخبر - این‌ماده‌هم‌مسترد می شود تاترتیبی‌در کمسیون دادرشود.

رئیس- ماده ۵۹

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده پنجاه و نهم — وظائفی که مطابق مواد ۲۸-۲۹-۳۲-۵۴-۵۵ داده می شود جزء مخارج وزارتخانه‌های مربوطه منظور و از خزانه دولت پرداخته می‌شود.

مخبر - چون صندوق قرارداده شود و راجع بخزانه نخواهد بود این ماده را هم مسترد می‌دارم.

رئیس - ماده الحاقیه آقای مدرس پیشنهاد کرده‌اند قرائت می‌شود.

(بمضمون زیر قرائت شد)

ماده الحاقیه که منضم می‌شود - کلیه مستخدمین دولت باید لباس آنها از پارچه های ایرانی باشد.

از متخلفین از این ماده صد بیست حقوق کسر خواهد شد مادام که متلبس به آن لباس می باشد.

رئیس - شور اول طرح قانونی استخدام تمام شد باید رأی بگیریم که شور ثانی بشود یا نه؟

آقا شیخ ابراهیم زنجانی مخبر قبل از فرمایش آقای رئیس عرض می کنم و اطلاع می‌دهم به آقایانی که اعضاء مجلس هستند و یا در خارجند اگر نظریاتی در این قانون دارند بفرستند بکمسیون تا بطور کامل دقت شود و یك قانون کاملی انشاء الله بگذرد.

رئیس - رأی می گیریم که شور دوم بشود یا نه؟ آقایانی که لزوم شور دوم را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. راجع بمعلمین یك پیشنهادی در سابق شده بود و حالا هم یك پیشنهاد جدیدی شده هر دو قرائت می‌شود و اگر مذاکراتی باید بشود می‌شود.

بمضمون ذیل قرائت شد

چون تعطیل معلمین بواسطه نرسیدن حقوق اگر در سال سه دفعه تجدید شود تقریباً باید تحصیلات یك ساله معلمین را بدون نتیجهٔ دانست بنده دوماده ذیل را پیشنهاد مجلس شورای ملی می نمایم:

(۱) پرداخت بودجه مدارس و حقوق خدام معارف بعد تأدیه مخارج تأمینات مملکتی مقدم بر سایر مصارف مملکتی است.

(۲) وزارت مالیه مأمور اجرای این قانون است (حائری‌زاده) (سلیمان میرزا)

مقام محترم مجلس شورای ملی دامت شوکته - پیشنهاد می کنم که مجلس بکمسیون معارف خود اجازه دهد که با وزیر معارف تبادل اداء نمود یك زمینه اساسی برای تأمین حقوق معلمین تهیه کرده بمجلس تقدیم نماید تا پس از تصویب بموقع اجرا گذارده شود

(سید محمد تدین)

رئیس - آقای حائری‌زاده و سلیمان میرزا راجع به پیشنهاد خودشان مذاکره دارند؟

حائری‌زاده - بنده پیشنهاد خودم را مسترد می‌دارم چون مقصود این بود که آقایان معلمین در عرض سال همه روزه مذاکره تعطیل آن نباشد و طریقه عمل این استکه آقای تدین پیشنهاد کرده‌اند و بنده هم می پذیرم.

رئیس — آقای سلیمان میرزا چطور؟

سلیمان میرزا - بنده عضو کمیسیون معارف هستم و در هر حال می توانم در موقع مذاکره این پیشنهاد خودم را در کمیسیون مطرح کنم ولی همین طور که آقای حائری زاده گفتند مقصود از این پیشنهاد این استکه معلمین راحت شوند و ترتیبات حقوق آنها معین شود که هر روز اطفال مردم از تحصیل باز نمانند البته کمسیون این کار را بکند بهترین شقوق است و با پیشنهاد آقای تدین موافقم.

رئیس - رأی می گیریم بپیشنهاد آقای تدین.

نصرت الدوله - دوباره قرائت شود.

(مجدداً قرائت شد)

سلیمان میرزا - یك اصلاح عبارتی لازم است.

رئیس - بفرمائید.

سلیمان میرزا - اگر اجازه بفرمائید و آقای تدین قبول کنند نوشته شود باوزیر معارف و وزیر مالیه برای اینکه وزیر مالیه هم باید ترتیب پرداخت پول را معین کند.

(یك نفر از نمایندگان - هیئت دولت نوشته شود)

سلیمان میرزا - بعبارة اخری هیئت دولت نوشته شود بهتر است.

تدین - بنده هم موافقت می کنم باین تصحیح.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای تدین را با این اصلاح تصویب می نمایند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند) تصویب شد.

شیخ الاسلام اصفهانی - بنده راجع باین مطلب دو کلمه عرض دارم

رئیس - این مطلب که ختم شد.

شیخ الاسلام - راجع بکار فعلیشان استکه این جا معطل مانده اند خوب است تکلیفی برایشان معین شود که بروند منزلها شان.

رئیس - این مطلبی نیست که لازم باشد آقایان وکلاء در مجلس راجع باو حرفی بزنند و راجع است بهیئت رئیسه آقای رئیس شعبه اول.

سلیمان میرزا - بنده هستم.

رئیس - راجع باعتبار نامه نماینده بوشهر چه اقدام شده؟

سلیمان میرزا - بموجب قانون انتخابات پوررضا و کیل آنجا است.

امین الشریعه - اینطور نیست.

سلیمان میرزا - تأمل بفرمائید بنده هم قانون انتخابات را بلدم شاید هم باندازه آقایان اطلاع داشته باشم اینکه بنده عرض کردم انتخاب پور رضا برای این است که او انتخاب شده و اگر آقایانی که ادعا دارند او فاقد شرایط است و سنش کافی نیست اگر توانستند اثبات کنند آنوقت بالطبع شیخ عبدالکریم خواهد بود در هر حال راجع بپور رضا امروز صبح شعبه منعقد شد ولی عده کافی نبود گمان می کنم برای هفته دیگر راپورتش تقدیم شود

رئیس - بنده کار بشخص ندارم چون شعبه مدتی است اینکار را معطل کرده هر چه زود تر باید راپورت خود را بفرستند آقای رئیس شعبه دوم یك اعتبارنامه هم در شعبه شما است چرا نمی‌دهید؟

سلطان العلماء - رئیس شعبه دوم راجع باعتبارنامه آقای لسان الملك در دو سه روز قبل شعبه تشکیل شد و رسیدگی اجمالی هم شد و شور اولش شده است و شور دومش بنا شد در جلسه یکشنبه آقایان اکثریت پیدا کنند و نظریات خود را بعرض مجلس برسانند

رئیس - تا بحال چند جلسه تشکیل شده است؟

سلطان العلماء - تا بحال دو جلسه شده و جلسه اخیر پریروز بود که اکثریت نبود و تمام دوسیه ملاحظه شده انشاءالله برای جلسه یکشنبه خاتمه پیدا میکند و بمجلس تقدیم خواهد شد

رئیس - باید عرض کنم که رسیدگی باعتبارنامه شوراول و دوم ندارد

سلطان العلماء - مقصود این بود که مراجعه شده ولی آنروز بعضی از اعضاء رفتند و اکثریت حاصل نشد انشاءالله در ظرف این هفته تکلیف معین خواهد شد

رئیس - جلسه آتیه روز یکشنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور لایحه قانون میبزی

محمدهاشم میرزا - اگر خاطر مبارك باشد غیر از این اعتبارنامه‌های دیگر هم هست که هر کدام یکسال و یکسال و نیم مانده

رئیس - بقیه را می گذاریم برای جلسه بعد - آقای زنجانی

(اجازه)

آقا شیخ ابراهیم زنجانی — بنده یکدفعه عرض کردم بازهم عرض می‌کنم خوب است آقایان وزراء در روزهای جلسه اول وقت تشریف بیاورند و بعضی سؤالات که می‌شود جواب بدهند چون آخر جلسه وقت می گذرد و نمی‌شود سؤال کرد و شاید سؤال طولانی بشود لهذا تقاضا می‌کنم برای جلسه آتیه زود تر تشریف بیاورند تا سؤالاتی بشود

رئیس - آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده همانروز مقام ریاست اجازه خواستم سؤالی بکنم آن این بود که آقای وزیر مالیه وقتی جواب شاهزاده محمدهاشم میرزا را راجع بحساب موسی خان گفتند اینطور اظهار فرمودند کمیسیونی برای رسیدگی بحساب او تعیین شده که حساب اورا رسیدگی کند خواستم سؤال کنم که این کمیسیون راجع بکدام حساب است آیا حساب زمان اجاره اش هم هست و نظری کرده‌اند که مال دولت تفریط شده است یا نشده است؟ اگر نکرده‌اند خوب است آقای وزیر مالیه در این باب هم یك نظری بکنند و اجاره دوره فترت را هم در تحت نظر بیاورند

وزیر مالیه - حساب عمل تعدیه در دوره فترت با مستأجر است نه با موجر مستأجر طرف است و وقتی بحساب او رسیدگی بشود معلوم میشود و فعلا آن حسابی را که ما رسیدگی میکنم راجع بمدت ریاست او در تعدیات است

رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - بنده سؤالی از وزارت مالیه داشتم اگر اجازه می‌فرمایند عرض کنم

رئیس - مسبوقشان کرده‌اید

سلیمان میرزا - بلی کاملا

رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - این قسمتی که فعلا عرض میکنم با اینکه سؤال اخیر بنده است ولی چون اهمیتش بیشتر است اول شروع بآن می کنم از فراز اطلاعیکه امروز صبح پیدا کرده‌ام متاسفانه صندوق مرکزی تهران که پایتخت مملکت ایران است قبض هایش را بفرانسه مطلق مینویسند ولا اقل فارسیش را هم نمی‌نویسند و یك کسی که پولی می‌خواهد بگیرد و قبض بدهد باید در ذیل یك جمله فرانسه که نمی‌داند چه نوشته شده امضاء کند و این از هر حیث غلط است چرا نباید فارسی بنویسد؟ کسی که در ذیل این ورقه امضاء میکند و فرانسه نمی‌داند چطور می‌تواند مسؤل امضای خودش باشد علی الخصوص فقراء و بی‌سواد ها یك قبض فرانسه است نوشته شود می‌دهند امضاء کنند و می گویند ده تومان است من که فرانسه نمی‌دانم از کجا بدانم دهتومان است البته سوء ظن بمامورین دولت نباید نمود ولی اگر صد تومان باشد چه خواهد شد. لهذا سؤال می کنم آیا این مطلب آنطور که من اطلاع دارم صحیح است یا خیر؟ اگر صحیح است چطور است؟ وزارتخانه تا بحال متوجه این مطلب نشده و اگر هم صحیح نیست بفرمایند

وزیر مالیه - راجع بقبوض صندوق وزارت مالیه همانطور که فرمودید صحیح است فرانسه تنها می نویسند اگرچه

مناسبت این بوده است که رئیس صندوق یك نفر اروپائی است که چند سال است در اینجا کار میکند و این قبوضی است که در دفتر خودش می‌ماند و بدست مردم موقعی میدهند که باید پول بآنها داده شود ولی البته بهتر این بود که فارسی نوشته شود و همین طور که تذکر دادند دستور داده شود که آنقبوضی بهر دو خط نوشته شود که هم او بحساب خود مستحضر باشد و هم سایرین بدانند چه مبلغی نوشته شده

سلیمان میرزا - چون موقع برای سئوالات مغتنم است عرض می کنم راجع بسئوال بنده در صورتیکه می فرمایند اصلاح خواهند فرمود دیگر موضوعی باقی نمیماند تا ببینیم انشاءالله چند روز دیگر قبضها فارسی خواهد شد پس بنده برمی گردم بسایر سئوالات که مدتها است نوشته ام در دوره‌های پیش وقتی میخواستند یك مالیاتی را تخفیف بدهند علی الخصوص وقتی که صاحب ملك دستش بجائی میرسید فوراً میرفت مالیات خودش را تخفیف می گرفت و آن وقت دولت کسری مالیات اورا و یا هر ملکی را که خراب میشد چون جزو جمع داشت فوراً سرشکن میکرد بین سایر دهات و امیدوار بودیم بعد از ترتیبات مشروطیت دیگر این قبیل ظلمها نشود بنده از قراری که اطلاع حاصل کرده‌ام اخیراً یك همچو ترتیبی باز اتفاق افتاده و غریب این است که وقتی شکایتها هم بوزارت مالیه ارجاع شده راپورتی که از وزارت مالیه داده‌اند این مطلب را تصدیق کرده‌اند و شرح قضیه این است از سواد اززیادی مالیات شکایت کرده‌اند و وزارت مالیه مامورینی بعنوان ممیزی فرستاده اند که خرم آباد را ممیزی کنند و پس از آنکه آنجا را ممیزی کرده‌اند یك تخفیفی داده‌اند و بعد آن مالیاتی را که بخرم آباد تخفیف داده‌اند بچهار آبادی دیگر که عبارت از یحیی آباد اسکندر آباد علائی و چهل قپان که بنده تحقیق کرده‌ام خورده مالك هستند و آقای امیر ناصر هم بهتر مسبوقند تحمیل کرده‌اند صاحبان این املاك مکرر بتوسط آقای امیر ناصر و بنده شکایت بمجلس کردند و از طرف مجلس هم بوزارت مالیه رجوع شده یکی از کاغذهائیکه از وزارت مالیه در جواب مجلس نوشته‌اند این است: ریاست محترم مجلس شورای ملی در تکمیل معروضات نمرهٔ فلان و فلان متضمن عرضحال نمایندگان اهالی ساوه (همینطور که عرض کردم عرضحال خطی زیاد بود) راجع باضافه مالیاتی مزارع خمسه واقعه در آنجا که تظلم نموده‌اند خاطر مبارك را مستحضر می دارد چندسال قبل مالکین مزرعه خرم آباد از کسر و شکست مزرعه مزبوره و عدم قدرت و توانائی از تادیه منال دیوانی تظلم نموده پس از رسیدگی و تحقیقات لازمه بالاخره نسبت بمالیات مزرعه مزبوره چرخ و تعدیل بعمل آمد و در نتیجه ممیزی و رسیدگی مبلغ یکصد و بیست و چهار تومان و کسری نقد بر مالیات نقدی مزرعه خرم آباد افزوده و مقدار هفتاد و شش خروار و کسری غله و مقدار شصت و پنج خروار کاه از جمع مالیاتی آنجا کسر کرده اند (این جمله بعد را دقت بفرمائید) بدیهی است (بنده با این مطلب که خیلی بدیهی است مخالف هستم)

چون نقصان مالیاتی متدرجاً باعث تقلیل عواید دولتی می شد محض حفظ عایدات دولت بموجب دستور کلی که آنوقت معمول و مرعی بود در نظر گرفته شد که مزارع اربعه ذیل را که اغلب از مالکین خرم آباد هم در آن شرکت دارند و مالیات آنها قلیل و کم بود ممیزی و بازدید نموده نقصان مالیات مزرعه خرم آباد را مزارع مزبور تحمیل و جبران ضرری که از کسر مالیات جنس بدولت وارد آمده بنمایند. (چیز غریبی است تقصیر رعیت چیست.

پس اگر تمام مزرعه اش و تمام حاصلش راسن بخورد باید بگوئیم چون اسباب نقصان مالیات دولت می‌شود هرچه دارد بفروشد و بدولت بدهد

ملاحظه فرمودید اینکه نوشته‌اند دستور کلی داده شود دستور همان است که عرض کردم یعنی ما چون در این قریه تخفیف دادیم باید بر این چهار قریه که پهلوی اوست اضافه کنیم برای اینکه کسر صندوق مالیه راجبران کرده باشیم) و بوسیله ممیزی و بازدید بمبلغ هشتصد و بیست و دو تومان و پنجهزار برمالیات نقدی مزارع مزبور افزوده و نیز مقدار هفت خروار و نود و دو من غله و مقدار شش خروار و بیست و شش من کاه از جمع مالیات جنس آنجا کسر کردند که من حیث المجموع مبلغ نهصد و چهل و شش تومان و پنجهزار بر مالیات نقدی مزارع خمسه بنفع دولت اضافه شده

(عجب است دولت که تاجر نیست که باید از رعایش نفع ببرد باید نظرش تبدیل مالیات و بوضع مالیات عادلانه باشد نه اینکه این ده که بواسطه عارضه از میان رفت آنوقت برای نفع دولت بیایند خانه بنده را ضبط کنند)

و مقدار هشتاد و چهار خروار و پنجاه و دو من غله و هفتاد و یك خروار و کسری کاه برضرر دولت کسر جمع حاصل گردیده که پس از مقایسه باز مبلغی بضرر دولت خاتمه یافته)

یعنی آن را باید تأمین کرد و در صورتی که یکمده مالیات ندهند باید پوست سایر خورده مالکین را کند و ضرر دولت را از آنها گرفت.

ظاهراً آنچه بنده می گویم آقای امیر ناصر صحت و سقمش را بهتر می دانند تمام این اشخاصیکه مالیات بر آنها تحمیل شده خورده مالك هستند و صداشان کمتر بمقامات عالیه می رسد.

بنده نتیجه ممیزی را بدست آوردم ملاحظه بفرمائید بعنوان ممیزی خرم آباد بچه دهاتی تخفیف داده شده است اتفاقاً همیشه آنهائیکه متموله و دستشان بمقامات عالیه می‌رسد خوش بخت و خوش اقبال هستند.

حالا بنده صورت این ممیزی را می‌خوانم لاس جرد متعلق شاهزاده ظفرالسلطنه می بایستی بدهد ۸۷۷۳۳)غله تقریباً هفتصد خروار تخفیف داده اند هیچ ملك ورثه عضدالملك می بایستی بدهد غله (۱۹۲۵۰) تقریباً ۸۸ خروار تخفیف داده شده ملك معاون حضرت صد و یك خروار بوده ۶۲ خروار تخفیف داده شده هریسان آقا میرزا رضای مستوفی ۴۲۰ خروار بوده ۲۰ خروار تخفیف داده شده چهار صد خروار باید بدهد پل آباده قزوین مزرعه خانم پروین الدوله سیصد و نود و سه خروار و شصت و هفت من و نیم تخفیف داده شده یکصد خروار بورثه مرحوم میر سیدحسین هم تخفیف داده‌اند.

بنده ممکن است صورت جزء آن را به آقای وزیر مالیه تقدیم بکنم بنده نمی دانم در صورتیکه اهالی خرم آباد شکایت کرده‌اند بچه نظر این تخفیفات باملاك متمولین داده شده و آنوقت مالیات آنها باین خورده مالك‌ها که دستشان بجائی نمیرسد تحمیل شده و با وجود اینکه این کاغذ وزارت مالیه در دوم جوزا نوشته شده هنوز جواب مجلس در باب شکایت اهالی ساوه که از زراعتشان باز مانده‌اند داده نشده پس تکلیف این رعایائی که اینجا هستند چیست؟ و درصورت صحت آقای وزیر مالیه این ضرر ها را چطور جبران می‌نمائید؟

وزیر مالیه — شرح قضیه تقریباً همانطوری است که در مراسله ذکر شده و حضرت والا خودشان قرائت کردند اهالی ساوه از چندین سال قبل آمدند از زیادی منال خرم آباد شکایت کردند از طرف وزارت مالیه به خرم آباد و همچنین بقراء اسکندر آباد یحیی آباد و چهل قپان و یك نقطه دیگر که تقریباً با خرم آباد شریك بودند ممیزینی فرستاده شده این راهم عرض کنم که بطور کلی تا قانون ممیزی نگذرد و اساس عشریه برای اراضی مزروعی محرز است و در همه جا این معمول را دارند و همچنین در املاك اربابی البته وقتی یك مالکی شکایت میکند از زیادی منالش دولت هم مجبور است بفرستد ممیزی بکنند و وقتی دید عایدی ندارد و باید تخفیف داده شود و همچنین املاکی را که صرفه با مالك است یا املاکی که هیچ مالیات ندارد و یك مالیات های جزئی دارد آنها را هم باید ممیزی کنند چنانچه در این چندسال املاك زیادی بود که بعضی جدید التأسیس و بعضی مالیاتهاشان جزئی و دولت ممیزی کرده و مالیات آنها را از روی عشر برقرار کرده است این مسئله هم همانطور است خرم آباد همانطور که اظهار کردند مالیاتش زیاد بود و آن چهار مزرعه دیگر هم باینکه ممیزی شده مالیاتش زیادتر از این است که معین کرده‌اند دولت یکمرتبه پنج مزرعه را ممیزی کرده و از میزان جمع اولی خرم آباد همانطور که اظهار فرمودند تقریباً ۷۸ خروار هم ضرر دولت شده است ولی چون ممیزی شد و معلوم شد مالیات آنجا زیاد است تخفیف داده شد و آن چهار قریه دیگر که مالیاتش کمتر بود اضافه شده است اهالی محل و مالکین از تخفیف خرم آباد خیلی خوش حال بودند اما از تعدیل چهار ملك دیگر فوق العاده شکایت می کنند ولی ملاحظه می فرمایند در این شکایتشان محق نیستند برای این که اگر بگویند این مالیات از عشر به زیادتر است حق دارند ولی در صورتی که از عشر عایدی زیادتر نباشد چون عشر حق دولت است باید بگیرد این را هم عرض کنم که تمام تخفیفی خرم آباد را از آنها مطالبه نکرده‌اند

فقط آنچه را که بآنها تعلق می گرفته تحمیل کرده‌اند و هفتاد و هشتاد خروار هم دولت ضرر کرده است اما چون از آفت سال گذشته شکایت داشته وزارت مالیه هم بنا باظهارات آنها بکرات رسیدگی نموده و از طرف وزارت مالیه هم آقای خلخالی که طرف اعتماد بودند بمحل فرستاده شدند و در آنجا هائی که دولت می توانست قبول کند رسیدگی کرد و راپورتی هم داده‌اند که در آن زمینه وزارت مالیه مشغول رسیدگی است و مخصوصاً از آقای امیر ناصر هم چون اطلاع داشته استدعا کردیم ایشانهم در وزارت مالیه و با موافقت ایشان قراری برای آفت زدگی آنها گذاشتیم و اما راجع بشکایات دیگرشان چون زمینه مالیات عشر قرار داده شده است البته باید برقرار بماند اگر می گویند از عشر زیاد تر است حق دارند تقاضا کنند بفرستیم مجدداً ممیزی بشود و اگر اضافه است آنوقت تخفیف داده شود و الا همانطور که تخفیف خرم آباد را قبول می کنند باید در جای دیگر هم اضافه را قبول کنند

سلیمان میرزاده — از اینکه دولت ممیزی می کند بیك جائی افزوده و از یك جائی کسر می‌شود حرفی نیست ولی صحبت اینجا است که وقتی که وزارت مالیه این است که مالیات کمتر و بیش از عشر نشود آیا آن دهات دیگر که اسم بودم یعنی آن مردمان خوشبخت که تقاضا نکرده‌اند و تخفیف داده شده.

آیا آن خوشبختها هم عشر می‌پردازند؟ صحبت اینجا است که مملکت یکمده خوشبخت و یکمده بدبخت پیدا کرده اهالی خرم آباد شکایت می کنند بدهات ظفرالسلطنه وغیره

تخفیف داده می‌شود وبدهات خورده مالك تحمیل می‌شود خیلی خوب‌است عشر بر عایدات وضع شود ومن هم کاملا موافق هستم.

امامشروط براینکه تمام اهالی مملکت خوشبخت باشند وبطور متساوی باشند و بتناسب بدهند نه کم وزیاد ووقتی که‌ممیزی می کنند فرق مابین صاحب نفوذ که دستش بمقامات عالیه‌میرسدوآن بدبختی که‌بی‌دست وپااست نگذارندچون به‌آن صاحب‌ملك با نفوذ وآن اربابی که دستش بمجلس میرسد ووزیر مالیه‌را اذیت می کند وازاوتخفیف می گیرد فشار وارد نیاید

ولی نتیجه این می‌شود که‌آن رعیت بدبخت تحمیل می شود و بالاخره نتیجه این فشاراین میشود که‌آن‌خورده مالکها وفقرائی که املاك جزئی دارند می گویند برای‌اینکه بمااذیتی نرسدخوب است بروم یك ارباب بانفوذی پیدا کنیم‌و ملك خودرا باو واگذار نمائیم تااوبرود از ما دفاع کندنتیجه این تحمیلات این‌خواهد شد درصورتیکه بنده همیشه طرفه از این هستم که املاك بزرك بین خورده مالك تقسیم شود وخوردهٔ مالك زیاد شود تا زراعت زیادتر ترقی کند

ولی بااین ترتیب‌اشخاص‌خورده‌مالك مجبورند املاك‌خودشان را باشخاص‌متمول وقوی وحکام ولایات بفروشند تا از این تجاوزات وتحمیلات راحت شوند چنانچه اگر آقایان تاریخ گذشته را مطالعه بفرمایند خواهند دید که هر کس‌درهر کجا والی وحاکم شد بعدازچند سال که‌گذشت چهارصد پارچه ملك درآنجاپیدا می کند زیرا مردم برای اینکه از شرمتعدی‌خلاص شوند تسلیم آن‌متعدی می‌شوند برای‌این است که بنده عرض می کنم رعایای‌بی‌دست ویا هم باید خوشبخت بشوند

اگرآقای‌وزیرمالیه عشرراقبول‌دارند ازآن املاکهم که اسم بردم وصورتش را بایشان دادم عشر بگیرند و اگر به‌آنها تخفیف می‌دهند باین چهار مزرعه هم که عجالتاً تعلق بخورده مالك دارد تخفیف بدهند چون وکلا برای حفظ حقوق‌رعایا هستند همه دراین مسئله متفق علیه هستیم که ازآن بیچاره‌هائی که نمی‌توانندصدای خود را بمقامات عالیه برسانند باید رفع تعدی وظلم بشود وبایدیك‌اصل‌رادرهمه‌جا قبول‌داشت.

وزیر مالیه — درقسمت‌اول همانطور که فرمودند عشر گرفته می‌شود ولی در قسمت‌های دیگری که صورت دادند آنها خیلی بیشتر از عشر باید بپردازند زیرا آنها خالصه است و تقریباً نصف عایدات آنها بدولت میرسد این تخفیفی که‌ملاحظه می‌فرمایند بمناسبت‌آفت بود والا حالا که رفع آفت شده باید نصف عایدی خود را بدولت بپردازند ونباید باآنها معامله‌عشر کرد این است که تصور می کنم مقصود حضرت والا هم این نبوده است که آنها بااینکه خالصه‌اند عشر بپردازند ولی اگر مقصودتان این بود که درصورتیکه اربابی است‌عشر بدهند وتفاوت مابین‌آنها گذارده نشود ماهم همین معامله را نسبت بهمه مجری می‌داریم‌واینکه فرمودند آنهائیکه نفوذ داشته‌اند بمنزل بنده آمده و اسباب مزاحمت بنده را فراهم نموده اند بنده تصور می کنم اگر بمنزل بنده تشریف می‌آورند می‌دیدند که ازطرف رعایابیشتر اسباب‌مزاحمت‌بنده‌فراهم‌است‌یکدسته‌درمنزل بنده هستند وخارج هم‌نمیشوند

ولی‌آن‌دسته‌هیچ بمنزل بنده‌نمی‌آیند ونمی‌مانندرصورتیکه بنده‌دراجرای‌عملیات بین این طبقه وآن‌طبقه فرقی نمی گذارم ونظریات حضرت والا هم عین نظریات خود بنده است‌امیدوارم دراجراءهم‌موفقیت حاصل شود

رئیس-جلسه‌ختم میشود

(جلسه یکساعت بعد از ظهر ختم‌شد)

مؤمن الملك

جلسه۱۳۱

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه سوم‌محرم هزار وسیصد وچهل‌ویك مطابق چهارم‌سنبله هزاروسیصدویك

(مجلس تقریباً ۳ساعت‌قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن‌الملك تشکیل گردید)

(صورت‌مجلس یوم پنجشنبه‌اول سنبله راآقای امیرناصر قرائت‌نمودند)

رئیس - آقای آقاسیدیعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - در جلسه قبل آقای وزیر مالیه در جواب بنده اظهار کردند که بحساب اجازه‌دوره فترت هم رسیدگی می‌شود و در صورت مجلس از آن‌ذکری نشده‌است.

رئیس - رسیدگی اضافه می‌شود.

آقای محمدهاشم میرزا

محمدهاشم‌میرزا — درصورت جلسه‌قبل آقای وقارالملك‌را غائب بی‌اجازه نوشته اند و چون ایشان قبول حکومت کرده‌اند گمان‌می کنم‌ذکراسم‌ایشان‌بیمورد باشد بعلاوه آنروز بنده عرض کردم‌بعضی اعتبارنامه‌هاهم درشعب‌باقی‌مانده ودرصورت مجلس ذکر نشده

رئیس - بنابود توضیح بدهید تا جواب داده‌شود.

آقای نظام‌الدوله

(اجازه)

نظام الدوله - راجع باختلاف نظر و مخالفت بنده باآن جاده که عرض کردم اشخاص‌صالح‌محروم‌می‌مانندرصورت مجلس‌هیچ‌اشاره نشده است. لازم‌بودبطور اختصار شرح‌داده‌شود